

اهداف ریگان و تعهدات رژیم

افشای فروش اسلحه به جمهوری اسلامی و ارسال پول آن به ضد انقلابیون نیکو را گوشه، معا مله پنهانی آمریکا و جمهوری اسلامی را به یک مسئله بین المللی مهم تبدیل کرد. در آمریکا یک جنرال بزرگ سیاسی بدنش را داشت و در دستگاره رهبری آمریکا بحران سیاسی نظیر ما برای او ترکیب پدید آورده، انگلیس گسترده و بین المللی این رسوایی که هر روز اطلاعات تازه ای درباره آن افشا می شود با زتاب آن در ایران خمینی، رفسنجانی و دیگر آخوندها را در توجیه قضیه در مانده کرده. آنها برای مهاجرت به این رسوایی موجی از با شدت و بیگرویدن بر امان نداشتند. آنقدر با اهمیت همه جا نبه این رویداد در مقابل ما این شما رنگا رنگی مجددا همین مسا لرا بررسی می کنند. در اثر روشن شدن جبهات گوناگون معا مله، حسابا وضعی پیش آمده است که خمینی و بویژه رفسنجانی روی آزادی گروهکها در بافت در بافت مسلح از آمریکا تکیه میکنند تا سازش با آمریکا و معا مله با اسرائیل را در سایه قرار دهند. اصل قضیه این است که هر دو طرف معا مله کشنده، خواهان برقراری رابطه و گسترش آن هستند. حال همه رهبران آمریکا، تمام هیات حاکمه آمریکا کلا با برقراری روابط با جمهوری اسلامی و حفظ رژیم تروریست خمینی موافق هستند و کسی از این زاویه به سیاست ریگان خرد نمی گیرد. در این زمینه جرج بوش مسایل مهمی را مطرح می کند که سیاست امپریالیسم آمریکا و همه دلایل اتخاذ این سیاست و اهداف آن را به روشنی ترسیم می کند. بوش معان و ریگان در سخنرانی بسیار مهم خود می گوید:

سه سال پیش از نخستین آدم ریایی دولت گویند مجاری با بل عطا دو متعا دلبر افرا ایران پیدا کننده بتوا ندا نظریاتی آنها انجام گفتگوهای سازنده و مشمول ز امکان پذیر سازد و اخبار ما اطلاعاتی را بدست آوردیم که نشان می داد عنا صراحت گرا در داخل ایران درک برخی از واقعیت های تلخ را آغاز کردند... بسیاری از رهبران ایران درک می کنند که بقای خودش و با زسازی اقتصاد کشور کشور ممکن است به عادی ساختن مناسباتش با همسایگان و جهان غرب بستگی داشته باشد. ما نمی توانیم استقلال قدرتی را که بزودی در ایران صورت خواهد گرفت، ندیده بگیریم. خمینی از چمنه خارج خواهد شد و رژیم دیگری قدرت را در دست خواهد گرفت و ما باید در موقعیت قرار داشته باشیم که بتوانیم به منافعی آمریکا و در حقیقت به منافعی جهان آزاد خدمت کنیم. آنچه را که بوش در دفاع از سیاست اسیاه و گسترش رابطه آمریکا و جمهوری اسلامی و در تریس اهداف این سیاست به زبان می آورد، به انداز کافی گویا هست. سیاست جدید آمریکا نسبت به رژیم از یک نظر است و بیله مزیوری باشد شکل گرفته و از زمان سیاست حفظ رژیم به اجرا گذاشته شده است. ادامه جنگ راهبردهای اصلی آمریکا در پیشبرد این سیاست بوده و به همین دلیل اسلحه آمریکا بی از همان زمان از طریق "دلان اسلحه" به جمهوری اسلامی فرستاده می شده است. "واقم گراها" که بوش از آنها نامی برد در واقع امثال رفسنجانی است که از سال ۶۲ به بعد مکررا از آمریکا تقاضای مذاکره و معا مله می کنند. این "واقع گراها" کسان هستند که خودشان خواهان برقراری رابطه بقیه در صفحه ۲

اعتصاب غذای زندانیان سیاسی

زندانیان اعتصابی در شرایط فوق العاده سختی بسر می برند. تا زبانه جلادان رژیم برتن رنجور آنان فرود می آید. زندگی آنان بر اثر اعتصاب غذاهای فشا رهای طاقت فرسا و شکنجه های مداوم در معرض خطر جدی قرار دارد. زندانیان سیاسی هر لحظه با مسئله مرگ و زندگی روبرو هستند. سیاست وطنیت با رژیم مردم را عمیقاً نگرسان جان زندانیان سیاسی ساخته است.

سازمان ما همه سازمانها و محافل بیسن - المللی آزادی خواه و همه سازمانها و شیروهای مترقی کشور و همه میهن دوستان و خانوادها های زندانیان را فرا می خواند که صدای اعتراض خود را نسبت به افزایش فشار در زندانها و شکنجه زندانیان بلند کنند و با تمام قیسا برای نجات زندگی زندانیان اعتصابی و همسایه زندانیان سیاسی تلاش کنند.

در رابطه با اعتصاب غذای زندانیان سیاسی ایران، شما بنده گسی کمیته مرکزی سازمان در اروپا اطلاعاتی انتشار داد. کمیته مرکزی سازمان نیز در این باره اطلاعیه ای داده است که در این شماره درج میشود.

در صفحه ۲

بر اساس اخبار و گزارشهای کسسه از اسارتگاههای رژیم جنایتکار خمینی دریافت کرده ایم، طی آذرماه اعتصاب غذای زندانیان زنا و مردان اوین و گوهردشت را فرا گرفته است. اعتصاب غذای قهرمانانه فرزندان دلبر خلق در اعتراض به اعمال وحشیانه و جنایتکارانه رژیم و در اعتراض به اعمال شرایط غیر انسانی و فشارهای طاقت فرسای زندان صورت گرفته است. اطلاعات منتشره از سوی کمیته مرکزی حزب خوده ایران نیز که بتاریخ ۱۸ آذرماه انتشار یافته است، همین خبر را انتشار داده است. مجاهدین خلق نیز خبر اعتصاب را انتشار داده و از اعداد عمده ای از اعتصابیون خبر داده اند. رژیم که از اقدام شجاعانه و عمل متحده زندانیان و با زتاب آن در کشور نگران است، تمام امکانات خود را بکار گرفته است تا خبر اعتصاب غذا به خارج از زندان نرسد. آنها ملاقات همه ایران با خانوادها یشان را قطع کرده اند تا برای درهم شکستن اعتصاب غذای زندانیان و برای فرو نشاندن اعتراض یکپارچه و متحد آنها در پنهان از مردم به سر جانی که میخواهند دست زینند.

فلک شدن مهدی هاشمی و فلک زدگی "فقیه عالیقدر"

با بازداشت سید مهدی هاشمی که "جرم واقعی او بزملا کردن معا مله پنهانی خمینی - رفسنجانی و ریگان و سازش جمهوری اسلامی با آمریکا است، بفرمان خمینی موج تازه ای زپیگرد و سرگوب" معا به دیرین وی برافراشته است. افشای ما موریت فرستاد و بویژه ریگان، یک فارلن در تهران، خمینی و رفسنجانی و سایر رهبران رژیم را در وضعیت رسوا کننده ای قرار داده است. خمینی که مدعی بود روزی که رابطه ایران با آمریکا تجدید شود، روز عزای ملی است اکنون برای تحکیم رابطه با آمریکا پیروان متوهم خود را نیز که جرئت کرده اند به اقدام خیانتکارانه او اعتراض کنند به اتهام "نگهداری اسلحه"، فعالیت های مخفی غیر قانونی و امثالهم به زیر مهمیز زندان و شکنجه کشیده است.

این رویداد پرا اهمیت سیاسی یکبار دیگر اثبات کرد که تا چه اندازه جنگ ایران و عراق در خدمت بازسازی مواقع امپریالیسم و مشخصا هموار کننده راه سازش جمهوری اسلامی با آمریکا است و با وضوح تمام بر درستی این تحلیل سازمان ما مهر تأیید میگوشد. که جنگ ایران و عراق اهرم مهم تخریب دستاویدهای انقلاب بهمین وادامه آن جلوه بازی از اهمیت ارتجاعی و ضد مردمی خمینی و رژیم است. آشکار شدن سازش پنهانی خمینی رفسنجانی با امپریالیسم آمریکا تنها از این نظر حاشز در جمهوری اسلامی را در مقیاس ملی و جهانی بنحو فضا حت باری بنمایش در آمد. اهمیت سیاسی این

رویداد باید از جنبه نقش و تاثیر که در آرایش نیروهای درون حکومت بازی کرده است، نیز مورد توجه قرار گیرد. اکنون مفهوم اشاره خمینی در پاسخ به استفسار و زبیرا اطلاعات مبنی بر اینکه با زداشت ها... ما در "بزرگانی را از آنها ما ت باک و توطئه منحرفان را خنثی میکند" با روشنی بیشتر قابل درک است. خمینی ضمن سرگوب مخالفت برخی نزدیکان منتظری در جریان معا مله پنهانی با ریگان خود "فقیه عالیقدر" را هم بقیه در صفحه ۹

توطئه سرگوب پنهانی را افشا و خنثی کنیم

اهداف و زمینه های یورش سراری رژیم - جنایتکار خمینی که در ماه های اخیر فدا شیبان خلق ایران را در سرا سرگوشور آماج خود قرار داده، مثلا به عمده ترین رویداد سال جاری در بند سنگین انقلاب و ارتجاع در میهن ما با بد در تمام جهات مورد ارزیابی و دقت قرار گیرد. این امر بویژه از این نظر اهمیت ویژه ای کسب کرده است که رژیم خمینی با توطئه ای ردیالانه به تا کتیک شناخته شده "سرگوب در تاریکی" متوسل شده است. رژیم تا امروز کوچکترین خبری درباره این یورش انتشار نداده است.

جیره خواران سیا

در گرما گرم افشاشدن رسوایی آمیز روابط پنهانی و طولانی مدت رژیم های خمینی و ریگان و درست هنگامی که هر روز اسناد بیشتری از احساس نا مقدس دور رژیم برای ادامه جنگ و گشتار، در سطح جهانی انتشار می یافت، روزنامه واشنگتن پست (۱۹ نوامبر - ۲۸ آبان) برده از راه های دیگری برداشت. بقیه در صفحه ۸

☆ در آزمون آتش	در صفحه ۷
☆ بن بست قانون کار اسلامی	در صفحه ۳
☆ تگاهی به رویدادهای سال ۸۶	در صفحه ۹
☆ اعتراض و مبارزه در ارتش	در صفحه ۶
☆ واکریت ریگان	در صفحه ۳
☆ در ندادن قتل عام جدید	در صفحه ۲
☆ جنايات تازه علیه زندانیان	در صفحه ۱۰

اطلاعیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

اعتصاب غذای زندانیان سیاسی

مردم مبارز ایران ۱

در حالی که رژیم منقور و منط خمینی سی در منقلب سازش با آمریکا در غلطیده و با ادا مسه جنگ جنایتکارانه همچنان خون درگاسه ما می‌ریزد در حالیکه این رژیم پلیس برای خاموش کردن اعتراض خلق برای جنگ و برای حفظ رژیم ، برای جلب اعتماد و وفایت ارباب سرمایه و شیط مسلمان بزرگ جنیتش انقلابی خلق را مورد یورش قرار داده و تشنه درماهای اخیر بیش از ۱۰۰۰ فدائیان خلق را در سراسر کشور به زندان کشیده است. اکنون بسا در اوین و کوهردشت برگ دیگری از کارنامه سیلای خود را رقم زده است. رژیم خمینی با این دلایل، فرزندان عزیز شما را به زندان و به زیر شکنجه می کشد که صدای اعتراض علیه جنگ و علییه ستم گری آخوندی و بانگ اعتراض علیه درودرختی که این رژیم به کارگروه ها و وروشنفکران ایرانی تحمیل کرده است ، خاموش سازد. انتقام کشی خمینی از زندانیان سیاسی ، انتقام کشی از مردم است.

مردم شرافتمند ایران ۱

رژیم پلیس خمینی مردان و زنان آزاد و مبارز میهن ما را که در شکنجه گاه های اوین به اسارت کشیده است آماج دمنشی های خود قرار داده است فرزندان بزنجهبر کشیده خلق که هنوز زخم ستم شکنجه های جلادان خمینی را بر تن دارند ، شهروندان علیه جنایات رژیم و در اعتراض به شرایط مرگبار زندان ها اعلام اعتصاب غذا کرده اند .
عمال تبهار خمینی که از این قهرمان نسسی فرزندان اسیر خلق به وحت افتاده بودند ، همه زندانیان را ممنوع لملقات تا اعلام کرخه و کوشیدند خبر این جنایت و صدای اعتراض دلاوران اسیر خلق به خارج از زندان در زندان در زندان . جلادان عزیزترین فرزندان خلق را به سلولهای تنگ و تاریک و شکنجه ای امان کوشیدند تا این مقام دست دلبران را دردم شکنند اما علیرغم تمام این ستم و تشیبات ، دژ خیمان نتوانستند ستم و آزاده زندانیان را دردم بشکنند .

هم میهنان عزیز ۱
به حمایت از زندانیان سیاسی میهن برخیزید. بانگ اعتراض علیه ترور و اختناق علیه شکنجه و اعدام را ستر سازید . اجازه ندهید خمینی جلاد ، پیگرد فرزندان دلیرتان را زیر شلاق دژ خیمانی غرقه بخون سازد . خطر اعدام جان زندانیان سیاسی را شهید می کند . بهر شکل ممکن از زندانیان سیاسی دفاع کنید . نیروهای تشریف خواه جهان ۱
در کشور جنگ زده ما رژیم حاکم علیه زندانیان سیاسی جنایت تا زهای مرتکب شده است . به یاری زندانیان سیاسی ایران بشتابید . اجازه ندهید رژیم تبهار جمهوری اسلامی جان زندانیان سیاسی را قربانی اهداف پلید خود سازد .

زند باد صلح - زند باد آزادی
مرگ بر خمینی
کمیته مرکزی
سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
آذرماه ۶۵

اهدای ریگان ...

باقیه از صفحه اول
با آمریکا برای ادامه جنگ و حفظ جمهوری اسلامی هتندویی آمریکا هم کمک می کنند که سیاست خود نسبت به جمهوری اسلامی را با موفقیت پیش برد. اطلاعات افشا شده نشان می دهد که طی این سالها خمینی و فرستگانی بکرات از طریق ژاپن ، انگلیس ، آلمان و از طریق واسطه های اسرائیلی ، سعودی ، آمریکا را از تمایل خود به کنار آمدن با دولت ریگان با خبر کرده اند. اما دولت ریگان تنها زمانی تقاضای مذاکره و مامله رسمی آخوندها را پذیرفته است که اطمینان می یابد " واقع گرا " ی جمهوری اسلامی را بقدر کافی برای مذاکره و مامله رسمی آماده کرده اند و آنجا ما این ماملات اخلاقی در پیشرفت سیاست آمریکا ایجا د نمی کند . گروگانگیری برای هر دو رژیم تروریست توجیه مناسبی بوده که آهنگ نزدیکی به یکدیگر را شتاب دهند . دولت ریگان تنها پس از کسب این اطمینان از تمایل واقعی سران رژیم به کنار آمدن با خود به سرا شیل جا زده می دهد سلاح های

هیچکدام نتوانند بر دیگری پیروز شوند و فقط جنگ ادامه یابد. حقایق افشا شده بار دیگر اثبات میکنند که برنده اصلی این جنسنگ آمریکا است .

اکنون این سوال اساسی مطرح است که ایران متقابل برابر آمریکا چه تعهداتی را بر عهده گرفته است . مسئله ای که دوطرف مامله در باره آن سکوت کامل کرده اند ؟
یوش در بخشی از سخنان مهم خود گفته است که یکی از " واقعیت های تلخ " این است که :
" در شرق از رانفانستان ۱۱۵ هزار سرباز شوروی ... و در شمال ۲۸ لشکر شوروی در مرز ایران مستقر شده اند و در انتظار استفاده از هرفرصتی هستند که ممکن است پیش آید. " آخوند فرسنگانی هم گفته است که اینک میگوید " هدف آمریکا در ارتباط با جمهوری اسلامی " یافتن راهی به افغانستان " است . تا درست است ، اخیرا رویدادهای مهمی اتفاق افتاده است . تا چهره دوست میمی ریگان به بزرگترین شرکت الکترولونیک انگلستان اجازه داده است که سه سیستم هوایی را دار که هر کدام مدهای ۶ کیلو متر برد دارند برای جمهوری اسلامی موجود آورد . نکته بسیار با اهمیت در این مامله طلوع بر ۳۶۰ میلیون دلاری که به جیب اصحاب رات انگلیسی سرازیر خواهد کرد ، آنست که جمهوری اسلامی باید این را دار را در مرزهای شوروی و افغانستان مستقر کند . از سوی دیگر جمهوری اسلامی بخشی از موشکهای راکه از دولت ریگان تحویل گرفته ، به ضد انقلابیستون افغانستان تحویل داده است . همچنین اخیرا تلاشهای خمینی و فبای الحق برای هماهنگی کردن مواج د دولت نسبت به مسئله افغانستان تشدید شده و در این راستا چند روز قبل خمینی ، لاریجانی را با پیام ویژه ای روانه پاکستان کرد . بر رویدادهای فوق این خبر فوق العاده پراهمیت تر ا هم باید اضافه کرد که از یکسال پیش سیستم استسراق سح که آمریکایی ها در زمان شاه در مسمرز طولانی ایران و شوروی درست کرده بودند و در جریان انقلاب تعطیل شده بود ، بار دیگر بوسیله مستاران آمریکایی بکار افتاده است . این رویدادها را در کنار سخنان بوش و آخوند فرسنگانی که بگذاریم سیمای عمومی یکی از تعهدات جمهوری اسلامی در برابر آمریکا روشن میشود .
رفسنگانی از مدتها پیش به نیابت از خمینی از آمریکا تقاضا میکرد که " شما مسئله صدام را برای ایران حل کنید تا ما مسئله افغانستان علاوه بر آن بطوریکه الشراع خیر می دهد :
" مک فارلن از تهران خواست از پشتیبانی سسی از جنبش های رها سی بخش درجهان ... دست بردارد . منظور مک فارلن همان گمانی است که در بدنه جمهوری اسلامی وجود دارد و با عامله مسلمان آمریکا مخالفان و ریگان در باره آنها بنظر قضاوت میکند : " در حقیقت برخی از افرادی که با فعالیت های تروریستی سرکار داشتند به زندان افتادند ... تا آنجا که من میدانم اینها را بکنار (افشای مامله آمریکا با ایسیران) بوسیله قریب در دولت ایران انجام گرفتند . سسی از سوی آن کسانی که ما با آنها سرکار داشتیم ، کارگسی بود که خصوصیت بیشتری با آمریکا دارد .

اینها کسانی هستند که بده بستان پنهانی خمینی ورگان را اولین بار افشا کردند . موج بازداشت و شکنجه که بدستور خمینی علیه این افراد برای افتاد و صد ها نفر را به روئنده سازی روانه زندان کرد ، پاسخ مثبتی بود که خمینی به تقاضای حکومت ریگان میداد . آنچه در این میان شایان توجه است ، رفتار قابل انتظار " فقیه عالیقدر " و خالی کردن پای ای بود . مذهبی های ساده دل دستگاه هم که انتظار محجزه از امام زاده منتظر سری داشتند ، فهمیدند که انتظارشان بیجوده بوده است . او پس از مدتی عدم تایید بازداشت ها علیه دستگیر شدگان موشگبری کرد و همانطور که گفته بودیم نشان داد که کسی نیست که در برابر ولی نعمت خود با ایستد . زیر سوال برتن ویی اعتبار کردن منتظری توسط خمینی نشان میدهد که برای خمینی و شرکا جلب حمایت آمریکا و رابطه با آن از حفظ عزیزان منتظری عزیز تر است . سرانجام باید از تعهد خمینی به تشدید سرکوب نیروهای انقلابی ایران یاد کرد .

مرد دنیا رژیم خمینی را تا بین کشد و اندکی بعد مک فارلن را با اختیار ات تا مروانه تهران میکنند مذاکرات مک فارلن در تهران با مقامات جمهوری اسلامی تحول مهمی را در روابط دولت ریگان و رژیم خمینی پدید می آورد . در ایسین مذاکرات محرمانه ولی رسمی ، هاشمی رفسنگانی (به گفته مک فارلن) لو اسانی ، بشارتی ، محمد علی ما دی و نمایندگان نیروهای مسلح شرکت داشته اند . در این مذاکرات مسایل مهمی حاصل و فصل می شود و نتیجه توافق بسیار از مسایل نیز فراهم میگردد . در باره محتوای مذاکرات روزنامه لبستانی الشراع نوشته است که :

" ایران دویچرا از او سنگین خوا ستا رند ، یکی با بان دادن به حمایت نظامی ، مالی و سیاسی از رژیم عراق و دیگری فروش قطعات یدکی به ایران آنچه بعنوان " فروش قطعات " از آمریکا مطالبه شده و در واقع همان اجرای قرارداد ۲۰ میلیار ددلاری شاه است ، یکی از روزنامه های آمریکا که توار مذاکرات مک فارلن را در دستت دارد ، نوشته است که مک فارلن وعده می دهد که ۵ میلیار ددلار سلاح آمریکا در اختیار ایران قرار دهد و تا امروز ۱ میلیار ددلار آن را تحویل داده است . اطلاعات موجود نشان می دهد که آمریکا با بخش مهمی از این خواسته ها موافقت کرده است . زیرا ازجا رگوشه جهان ، از اسرا شیل آمریکا ، انگلیس ، ایتالیا ، کانادا ، مورو فیلیپین و ... اسیر اسلحه آمریکا به سوی تهران سرازیر شده است . اسرا شیل در انتقال این سلاح ها ، نقش تعیین کننده ای را بازی کرده است .

در کنار سرازیر شدن سیل اسلحه به ایران ، آمریکا همه گونه مگانات در اختیار صدام قرار می داده است . اخیرا فاش شده که در جریان جنگ آمریکا اطلاعات مربوط به مراکز نظامی و اقتصادی ایران را اهمیت استراتژیک دارند را با کمک ما هواره ها و آواکس که در اختیار صدام قرار داده است . این حقایق که امروز درگیر بودا ر در گیری دیوگرا تنها و جمهوری خواهان افشای می شود ، بار دیگر صحت پیش بینی و تحلیل ما را اثبات میکند که امپریالیسم آمریکا به هر دو طرف جنگ ستم آن اندازه کمک میکند که نه صدام و نه خمینی

در سال ۵۸ زمانی که یزدی و برزینسکی

مامله میکردند ، خمینی با توسل به همیسن مذاکره سازشکارانه و با طرح اینکه رابطه با آمریکا را میخواهیم چه کنیم کابینه لیبیرال را ساقط کرد . حالا که معاون برزینسکی با هاشمی رفسنگانی مامله و مذاکره میکنند ، خمینی نیروهای راکه همان حرف قبلی او را تکرار میکنند سرکوب میکند .

سیاست امپریالیسم آمریکا برقراری رابطه با ایران و بدست آوردن مک فارلن است . آمریکا با تمام قوا میکوشد جنگی به فرجام با عسراق ادامه یابد و امکانات فعالیت فدشوری و ضد افغانی در ایران تقویت شوند . سیاست جمهوری اسلامی کنار آمدن با آمریکا و تکیه بر حمایت آن در حفظ رژیم و ادامه جنگ است . ادامه جنگ عامل اصلی ترشیر یزدی دورژیم بوده است . اگر جنگ نیز نمی بود خصم ستم ضد کمونیستی و ضد مردمی دورژیم تروریست دست آنها را در دست یکدیگر می گذاشت . نزدیکی دورژیم و گسترش روابط فیما بین نمی توانست تنش های سی را در برده جمهوری اسلامی ایجاد نکند و به توه " حزب الله " به خمینی و دیگر شرکا ضربه نزنند و خمینی نیز علیه آنان به سرکوب متوسل نشود بدین ترتیب رویدادهای کنونی شرایط مساعذری برای فعالین انقلابی پدید آورد که در پرتو آن بتوانند رابطه مبارزه در راه صلح و آزادی با مبارزه علیه رژیم و امپریالیسم آمریکا را برای توده ها روشن تر و توضیح دهند و محتوی ضد ارتجاعی وفد امپریالیستی مبارزه در راه صلح و آزادی را برجسته تر سازند و زحمتگان بیشتری را به میدان بکنار علیه سز چانه آمریکا و اسرا شیل و جمهوری اسلامی و محکوم کردن آنان و بویژه تصدات رژیم در برابر آمریکا و طبقه تاخیر نا پذیر همسه نیروهای انقلابی ستا این افشاگری تریسین ضرات سیاسی را بر خمینی و شرکای او وارد میزند . باید در این میدان فعالانه مسبارزه کرد .

بن بست قانون کار اسلامی

۸ سال پس از سرنگونی رژیم شاه، سرنویسندگان قانون کار همچنان نا معلوم است. با وجود آنکه لایحه قانون کار که از تصویب مجلس شورای اسلامی گذشته، در اساسی ترین وجوه خود حافظ منافع سرمایه داران است، با اینهمه همین لایحه قانون کار ارتجاعی هم با مخالفت شورای نگهبان روبرو شده و به موضوع کشاکش سیاسی و عقیدتی حساسی میان مسئولین وزارت کار و "خانه کارگر" زبکسو و شورای نگهبان از سوی دیگرتبدیل شده است. بگونه ای که مسئولین وزارت کار با ابراز نگرانی از مشکلات ناشی از اخذ قانونی و نا معلوم بودن سرنوشت این قانون (از نظر توجیه عملی آن) از مسئولین قانونگذاران در رژیم جمهوری اسلامی شکوه می کنند، مصلحتی که بدون شک، جلوه ای آشکار از کشاکش درون رژیم ولایت فقیه و خلعت فوق ارتجاعی آن است. کشمکش بر سر چگونگی انطباق دادن قانون کار اسلامی بر احکام و موازین شرعی متمرکز شده است. حقوق مختلفی نیز در این میان مطرح بوده و هست؛ استناد صرف به احکام اولیه، احکام ثانویه، شروط ضمن عقد، باب مزارکت، مزارع، مساقات و احکام و عقود اسلامی دیگر.

در پی استقرار ولایت فقیه و تسلط استبداد دینوراکتاریک بر مبین ما، رژیم خمینی با تمام نیرو تلاش کرد تا یک قانون کار قرون وسطایی را که بر پایه احکام اولیه در چارچوب اصل تراضی و تبادل اجاره "تدوین شده بود" طبقه کارگر ایران تحمیل کند. این توطئه و تدبیرانه در اثر مقاومت سراسری توده های میلیونی کارگران در سال ۶۱ منتهی برآب شد. رژیم خمینی پس از این شکست مفتضحانه دست به عقب نشینی زد و بر سر چگونگی انطباق قانون کار بر اساس احکام ثانویه و شرط ضمن عقد را نیز در دستور کار قرار داد. نخستین لایحه ای که پس از زیرکانه ری توکلی تدوین شد چنین خصوصی داشت. موسوی نخست وزیر رژیم خمینی، در دفاع از آن گفت که این لایحه برخلاف پیش نویس قبلی، کارفرمایان بخش خصوصی را به رعایت حقوق کارگران ملزم می کند. چون طبق موازین "شروط الزامی ضمن عقد" استفاده سرمایه داران از امکانات و خدمات دولتی مشروط به رعایت این حقوق از جانب آنهاست. او تا کذب در دهها بیسن ترتیب قانون ضمانت اجرائی پیدا می کند و تا مین حقوق کارگران به رفاهت کارفرمایان منحصر و مشروط نمی گردد.

اما این "راه حل" های بدوی، شرعی و عهدی و ابتکارات حقوقی و شرعی، مشاهدات نیز گری از مشکل رژیم نشود، بنحوی که خود سردمداران وزارت کار نیز سرانجام به آن اعتراف کردند. محمد سلامتی معاون پارلمانی وزارت کار و امور اجتماعی، طی معاهده ای در گنبد گشت گفت: "تلقی کردن قانون کار به عنوان شرط الزامی ضمن عقد به از استفاده از امکانات و خدمات دولتی، راهی اساسی و موثر برای تنظیم درست روابط کار بینظیر است."

سی رسد. "و همچنین درباره محدودیت ها و مشکلات ناشی از استناد به احکام ثانویه گفت: "یک راه حل این است که این لایحه بر طبق احکام ثانویه مورد بررسی و تصویب (نهایی) قرار گیرد. بدین معنا که... فعلا ضرورت اقتضا می کند که امتیازاتی بیش از آنچه که کارفرما میسر است رفاهت دهد، برای کارگران قابل شوم و حکومت برای مدتی این امر را به صورت قانون تحقق بخشد. این کار شبیه این است که در حالت مادی، خوردن گوشت مردار برای مسلمان جایز نیست، ولی در شرایطی که غذا چار شود، یعنی در صورت عدم استفاده از مغز مردار برایش وجود داشته باشد، دردمندی که از تلف شدن نجاست نباشد، اجازه خوردن گوشت را دارد. بهمان ترتیب دیگر، مناسبات حقوقی ناشی از مالکیت خصوصی و استثماری کارگرو توسط سرمایه داران نیز در شرایطی که مقدس بوده و دست اندازی به حریم آن برآورد، حرام است. اما در شرایط اضطراری، مصلحت سرمایه داران و دولت حامی آن در آن است که به سبب حفظ اساسی روابط موجود، بطور موقت و مشخص اعطاف نشان دهد.

معاون وزیر کار رنیز می داند که معنای استناد به احکام ثانویه به معنای یک "راه حل" چیست، لذا با اشاره ای به "محدودیت ها و تراسی های" آن سر و ته قضیه را اینطور بهم می آورد که: "در صورت استفاده از احکام ثانویه برای لایحه کار، به لایحه قانونی حاصل، موقتی ونداری محدودیت زمانی (معمولاً ۵ سال) برای اجرا خواهد بود که در این صورت موجب تزلزل و بی ثباتی و عدم امکان برپا ماندن مزبذ درواحه ای تولیدی و خدماتی می گردد و... بهینا برای استفاده از احکام ثانویه بمنظور تصویب وعرضه قانون کار نه تنها دردی را دوا نمی کند بلکه مشکلات را نیز افزایش می دهد.

در حال آنکه تصویب نهایی لایحه را به بن بست مواجه کرده، ضوابط شورای نگهبان است. در این رابطه، معاون وزیر کار می گوید: "چنانچه تصویب این لایحه در شورودوم آن در مجلس هم عملی شود، ولیکن با وضعی که در (مبارت مفاد آن بسا احکام اولیه، عدم استفاده از احکام ثانویه و شروط الزامی ضمن عقد) تصویب آن در شورای نگهبان قطعاً با بن بست مواجه می شود. لذا مسئولین وزارت کار از شورای نگهبان می خواهند که: "درصد کشف و ارایه راه حل های مناسب در همین حال شرعی برآید. تا از این طریق، سریع تشریح حل معضلات و مشکلات ناشی از اخذ قانونی نایل آیم." اما راهی را که مسئولین وزارت کار تویتنیز "خانه کارگر" برای خروج از بن بست قانونگذار موجود "کشف کرده اند، استفاده از باب مشارکت است. آنها اینطور استدلال می کنند که: "اگر تصویب کردنی تولید وعرضه خدمات را درواحه ای ذیربط در ارتباط با سرمایه داران و مدیریت وی، نیروی کار (کارگر) و امکانات و خدمات عرضه شده توسط دولت (آب، برق، تلفن، سوخت، سیستم داری وغیره) بدانند که یک واقعیت عیناً قابل تردید است. پس در حقیقت علاوه بر کارفرما و کارگر دولت نیز به لحاظ مادی و خدماتی در امر تولید و عرضه خدمات و احداث رکت دارد. حال وقتی دولت،

دولت مستضعفین است، پس می توانیم خسود را در ارتباط با نیروی کار کارگر قرار دهیم. لذا ما در واقع درواحه ای تولیدی و خدماتی مواجه بسا دوشریک هستیم از یک طرف کارفرما و سرمایه دار و از طرف دیگر کارگران و امکانات و خدمات دولتی، از اینرو رابطه کارگرو کارفرما می تواند رابطه دوشریک باشد. این تحلیل، کارگرو کارفرما مشترک می توانند در صورت و احدها تصمیم بگیرند. و در مورد مسایل مختلف نظیر مساقات کار، سهم کارفرما و کارگرو غیره نیز همینطور، با این پیسند اصول حاکم بر قانون کار تحولی بنیادین پیسند خواهد کرد.

طرح عوا فریبانه "شرکت کارگرو کارفرما" که روایت اسلامی و شرعی اصل ارتجاعی و ورشکسته "آشتی طبقاتی" است نه می تواند کسی را فریب دهد و درهای ازبهار زندگی رژیم و بحران دامنگیران برای تحمیل قانون کار ارتجاعی به کارگران بکا هد، پس از شکست تبلیغات درگنبد وزارت کار و خانه کارگر حول "طرح انقلابی و اسلامی" واگذرای سهام کارخانجات به کارگران، این دومین "ابتکار بدیع و شخول آفرین" است که از جانب آنها عرضه می شود. همه می دانند که "دولت مستضعفین یعنی دولت خدمتگزار خونه ها و سرمایه داران و سهم کارگرو دولت" چیزی نیست جز استعمار و غارت، شکنجه و سرکوب. این ادعا که کارفرما سرمایه دار یک طرف، دولت و کارگرو طرف دیگر است، کلاه گشای است که مسئولان سرمایه یه سرور وزارت کار برای گذشتن سرکارگرو در گذشتند. این یک دروغ بدیع و سرگشته است، چرا که سرمایه داران در کشف حمایت سربیزه دولت ولایت فقیه است که زندگی را بر طبقه کارگران بران سپاه میکنند. حال، سردمداران عوا مغرب و شمشیده، با وزارت کار می خواهند بر این خشت گنبد، بنا و از گونه "شرکت کارگرو کارفرما" را برپا نگه دارند. و نیز عمود کارزار تازه برای فریب و تحمیل زحمتکاران برای خروج از بن بست قانونگذار رژیم می بندند. کارگران ما میهن ما، همچنان طرح ارتجاعی "فروش سهام کارخانجات به کارگران" را افشا کردند، به این گونه طرحهای عوا فریبانه نیز پاسخ درخوردند و شکنی خود نهادند. کارگران پیشرو و آگاه با بدضم افشای توطئه های رنگارنگ رژیم علیه طبقه کارگر، برای توده کارگران توضیح دهند که چرا رژیم ولایت فقیه از تدوین یک قانون کار، دموکراتیک و عا جز است و چرا علیرغم همه تشبیهات (اعمال احکام اولیه و توطئه و توشیل و شروع اسلام به شکل صورت) قادر به خروج از این بن بست نیست. آنها با بدضم توضیح و تبلیغ بگرو مستخرج چگونگی تدوین یک قانون کار مترقی به توده کارگران و وسعا توضیح دهند که تا رژیم ولایت فقیه با برجاست، دستبندی به یک قانون کار دموکراتیک غیر ممکن است و برای دستبندی به این قانون باید میانه زده در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی را شدید کرد.

واترگیت ریگان

۲۳ اکتبر سال جاری (اول آبان) سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا طی مصاحبه ای مجدداً اعلام کرد که آمریکا در جنگ ایران و عراق که امکان موضع بی طرفانه در دروازه نخواهد داد، تسلیحاتی آمریکا به طرفین متخاصم فروخته نشود. او بویژه بر مخالفت آمریکا با تحویل سلاح به جمهوری اسلامی تاکید کرد. افسار وابط پشت پرده آمریکا با جمهوری اسلامی - که چند روز پس از آن انجام گرفت، بار دیگر دروغ پردازی کاغذ سفید نشینان را به آمریکا بی نشان داد.

افشای فروش سلاح به جمهوری اسلامی، پرده از سیاست عوام فریبانه دولت ریگان برداشت و نشان داد که امپریالیتهای آمریکا بی درپس تبلیغات عوا فریبانه، چگونگی سیاست تخاصم و کارانه و نظامی می گرانه خود را پیش می برند و چگونه می کوشند با دروپی، دروغ و گویی و خلافکاری های بی پایان نقش ارتجاعی خود را در دامن زدن به جنگ ایران و عراق و ادا میافتن آن از چشم مردم آمریکا و جهان بنهان سازند. بنشابه اعتراف مقامات آمریکایی و اسرائیلی - که در این معامله نقش دلال واسطه را داشته اند - فروش مستقیم سلاح به جمهوری اسلامی قایل از ۱۸ ماه پیش آغاز شده است. روزنامه "واشنگتن پست" فاش ساخت که "آلسکا درهنگ" وزیر پیشین امور خارجه آمریکا حتی از سال ۱۹۸۱ اجازه فروش اسلحه به ایران را به دولت اسرائیل داده بود. طی این مدت دهها میلیون دلار سلاح آمریکا به آزارهای مختلف به رژیم حاکم ایران تحویل شده است. روزنامه تایمز نوشت که تنها در طول سال جاری ۲۰ هواپیمای نظامی سلاح به ایران حمل شده است. افشای این تازه تر در مورد این معاملات

رسوایی دولت ریگان را بیشتر ساخت و معلوم شد که سودمآله تسلیماتی آمریکا با جمهوری اسلامی مستقیماً برای توشینان فدا انقلابی نیکارا گوشه ای برآورد شده و به همین منظور دلارهای بدست آمده به یک حساب بانکی در سوئیس منتقل شده است. موجودی این حساب بانکی که زیر نظر است، سازمان جاسوسی سیا قرار داشته، در خدمت تقویت جریانات فدا انقلابی و ضد کمونیستی اجمله فدا انقلاب نیکارا گوشه، افغانستان و آنغولا قرار گرفته است. تا سبب این حساب بانکی درجهت "دکترین ریگان" است که هدف آن ایجاد توطئه های شورش های ضد کمونیستی در چهار گوشه جهان است. فروش پنهانی سلاح به جمهوری اسلامی و کمک به شورشیان نیکارا گوشه که هر دو برخلاف سیاست رسمی و اعلام شده دولت آمریکا صورت گرفته است، موجی از خشم و نفرت و اعتراض علیه سیاستهای تخاصم و زنگرانه دولت ریگان در آمریکا و سرانجهان رابه راه انداخت و حتی ناراضی در میسایان متحدین آمریکا را نیز دامن زد. این رسوایی کم سابقه دولت ریگان را در بحران بی سابقه ای فرو برد و اعتماد آمریکا به این دستگاه رهبری ایالات متحده آمریکا را به شدت کاهش داد. دولت ریگان مجبور شد برای مقابله با این رسوایی بزرگ اقدامات شدیدی را آغاز کند.

این فسادگسترده بیسابقه در آورده رسوایی اور و ترکیب - است که به استغفای نیسکون از ریاست جمهوری آمریکا در سال ۱۹۷۲ منجر شد و به همین دلیل مطبوعات غربی بیسهم رسوایی دولت ریگان نام ایران گیسست داده اند. جنجال "ایران گیت" تا آن اندازه بسالاً گرفته است که انحصارات امپریالیستی آمریکا می کوشند با قربانی کردن مهره های آنرا فساد نشانند. آنها می کوشند رسوایی بزرگ را که در دستگاه حاکمه آمریکا رخ داده است به خلافکاری

افراد جداگانه مربوط سازند. هدف آنها نیز آن است که نظام فاسد سرمایه داری امپریالیستی را از تهام میرا کنند. فعلاً چند نفری را قربانی کرده اند. تعدادی از دموکراتها می کوشند ریگان را قایل ازبایان دوره ریاست جمهوری ازگماست سفید بیرون کنند. داستان "گی بود، کی بود، کی بود، من نبودم" در واشنگتن اقتدار با لگرتفته است که حتی دیگر سازمان جاسوسی نیز می خواهد برای خود را از ماجرا کناری کند. "ویلنای کیسی" رئیس ایسن سازمان جنایکار در برابر گنگره اعلام داشت که از جریانات واقع بی اطلاع بوده است. اما افشای ایجاب حساب بانکی سوئیس، این دروغ و گیسسی را نیز فاش ساخت. جریانات فروش اسلحه به جمهوری اسلامی و افشای گری بیرون آن هنوز آدامه دارد. ممکن است جزئیات تازه تری افشا شود و مقامات مهمتر و بزرگتری قربانی شوند. اما قطعاً امپریالیستی آمریکا بی تمام تلاش خود را برای رخا بند بردار تا ساخت "نا مقدس" سرمایه داری امپریالیستی آمریکا در این میانه نگه دارند. همگساری نا مقدس که بین دولت تروریست ریگان و رژیم تروریست خمینی برای آدامه جنگ وجود دارد و تحکیم می شود، از ما هیبت سرمایه داری دوزخیم و از خلعت ارتجاعی آنان ما می گیرد. واترگیت ریگان به روشن ترین وجهی نشانگر تحسید نا مقدس سرمایه داری جهانی علیه خلق نیکارا گوشه سرکوب انقلاب افغانستان، انقلاب آنغولا و خدمت نا من زدن به آتش جنگ ایران و عراق، گشتن شورشهای ضد کمونیستی و در یک کلام دشمنی کینه تورا نه سرمایه داران است که به رهبری امپریالیستی آمریکا بی علیه جنبش های کمونیستی و انقلابی در سرانجهان است.

توطئه... هرگاه به ادا منتهی در رکات چند ساعه رژیم برای سازماندهی این یورش توطئه کنیم، هرگاه توطئه کنیم که فقط طی ماه های تابستان ساواک خمینی حدود ۵۰۰۰۰ افغانی خلق را در یورش های ناگهانی ربوده یا رسماً با زداشت کرده است، هرگاه ماهیتهای را که رژیم دستگایهای اطلاعاتی آن برای ضربه زدن به ادا منتهی گسترده فعلیت سازمان قائل بوده است را در نظر آوری و برپا بیاورد، اگر توطئه کنیم که جنایتی با این وسعت از چشم مردم پنجهان نخواهد آمد، ندا بین سئوال به گونه ای جدی تر در ذهن هر عنصر ساواک مطرح میشود که چرا رژیم میگوید شما بزرگ خود را از رژیم برده پنجهان کنید؟

دلایل این تا کتیک رژیم اشکارا است، نظر به نقش و تاثیر عملی و ادا منتهی فعلیت سازماندهی در مجموعه جنبش انقلابی در کشور در لحظه کنونی، جنبشی که امپریالیسم آمریکا و قیاحانسیه آن را "خطر شوروی" نامیده است، سرکوب آن عملاً به صورت یکی از تجهیزات و وظایف مهم رژیم برای ترغیب امپریالیسم و ارتجاع به حمایت از رژیم در جنگ و برانگیختن تمایل آن به حل و فصل مسائلی بسیار بین در آمده است. اگر سرکوب حزب توده ایران در سال ۱۹۶۰ و جنجال بزرگ ضد شوروی از پی آن دقیقاً چراغ سبزی بود که ادا منتهی رژیم را به معنا ملموس و سازش با امپریالیسم آمریکا اعلام می کرد، امروز نیز یورش به سازمان گامی است که امپریالیسم اسرائیل و امثالهمرا بیشتر از گذشته به رژیم مطمئن می سازد.

وضع امروز سازماندهی و ادا منتهی است. ۴- سال پیش فقط فعلیت جنبش انقلابی بودند که درک می کردند که یورش به حزب چراغ سبزی آمریکا است رژیم هنوز در وضعی بود که علناً بر حسب "جاسوسی" را خرج می کرد، این حساب که توطئه ها کمتر به چشم زدن آن به شیطان بزرگ می افتد، اما امروز در این گیرودار که ادا منتهی روابط پنجهانی برآمده و رژیم مذبحها به بی درنگی را برانگیخته است، ادا منتهی به وسیله وسیع مردم رژیم و با توجه به حدیثا خت آنان، هر نوع ادا منتهی به یورش بر بر منتهی سازماندهی است، این درجه بسیار بیشتر از آنچه انتظار می رود ادا منتهی دغل کارانه رژیم در چشم توده ها افشا می کند.

در لحظه ای که رژیم برای حفظ نقاب فساد امپریالیستی برچهره اش در دشوارترین شرایط قرار گرفته است نمی تواند علیه پیگیرترین و فعالترین نیروی ضد امپریالیست کشور، نیروی که سابقه ای درخشان در درگیری علیه امپریالیسم آمریکا را در راست و جزا تا کتیک سرکوب درنا ریکی "تا کتیک دیگری را به خدمت بگیرد، رژیم امروزه حتی جرات نمی کند علناً واقعی با زداشت مودی ها همی راهم برزبان آن آرد، چگونه می تواند خبر یورش به سازماندهی را به اطلاع مردم برساند؟

اما پنجهان کردن خبر با زداشت ها و استفسارده وسیع از شیوه ربودن پنجهانی فعالین دلایل تا کتیک معینی نیز زداشته است. پنجهان کردن خبر دستگیریهایی فرمت می دهد که به نفع خود را برای ادا منتهی بدارد، ندا ختن فعالین تشکیلات، برای شکنجه طولانی مدت و مرگباری برای اعتراف کشیدن از با زداشت شدن آن، برای کمال کردن نقشه ضربه جگر گیر رژیم همین امروز نیز هنوز ادا منتهی استفاده از همین حقه ادا منتهی دهد.

بعلاوه وضع طوری شده است که دیگر مدتهاست که انگاسا خبر چنجا با رژیم علیه انقلابیون در میان مردم نفرت و انزجار نسبت به رژیم و روحیه حمایت و نیک خواهی نسبت به انقلابیون را ادا منتهی میزند. رژیم مدتهاست که حتی خیرا عدا میا را هم پنجهان میکند، مجموعه این عوامل و انگیزه ها باعث شده است که رژیم وحشت گرفته خمینی خبر ربودن مدتها فدائی را پنجهان کند، هما نظیر که خیرا عدا منتهی است با غذا و صدها جنایت دیگری که هر روز مرتکب میشود پنجهان میکند.

تا کتیک شناخته شده "سرکوب درنا ریکی" را تنها می توان با سازماندهی یک بیگانه روسیع و همه جا نیه در سطح کشور و در عرصه بین المللی که در هدف جناح از زدن انبیا ن سیاسی و در افشای زیر و بم تمام چنجا با رژیم سازماندهی می باشد با زداشت و ساخت، با ادا منتهی با تمام امکانات و ادا منتهی کارا زداشته است، امروز فعلیت افشاکارانه و تبلیغی در افشای زنده انبیا ن سیاسی و علیه هر یک از چنجا با رژیم هیئت سیاسی فوق العاده ای یافته است. اکنون لحظه ای است که با ادا منتهی تمام نیروی برای حمایت همگانی و برای پشتیبانی بین المللی از زندانیان سیاسی و برای سازماندهی اعتراض همگانی علیه ترور و ادا منتهی جناح کمپرکسوریا خیزیم.

نا بودی ارگانهای سرکوبگر، خواست مردم است

مشولین رژیم امسال را "سال تشبیت وضع کمیته ها" اعلام کرده اند. طی دوما گذشته ۱۸ کمیته جدید در تهران و ۸ گلوگا تازه در راههای ورودی و خروجی آن ایجاد شده است. بر اساس مصوبه شورای عالی دفاع ۱۲۰۰۰ تن از مشولین وظیفه سال در اختیار کمیته ها قرار گرفته است، علاوه بر بودجه خود کمیته ها، مبلغ ۲۰۰۰۰۰۰۰ ریال دیگر از بودجه جنگ نیز به کمیته ها اختصاص یافته است.

سراج الدین موسوی، آخوند تبهکاری که در مقام فرماندهی کل کمیته ها، طی ماه های اخیر شهرهای مختلف کشور را برای توسعه شبکه جنایت دوزخ پرپا نهاده است، اعلام کرده که مشولین است امنیت کشور به عهده کمیته ها گذاشته شده و از این نظر با ادا منتهی دگانهای در اختیار این نهاد قدران گیرند.

جنگ و سرکوب نه بعنوان دوا مرگدگان سسه بلکه بعنوان دویخ از یک سیاست، در سرلوحه اقدامات رژیم قرار دارند.

رژیم خمینی به همان میزان که مورد نفرت فزاینده مردم قرار می گیرد، برای مها را این اعتراضات و برای سرکوب انقلابیون و بویژه انقلابیون کمونیست، پیش از پیش ارگانهای تبهکار و روحنا بیت پیشه ای چون سیا، کمیته های اطلاعات را گسترش می دهد و امکانات جدید تهری برای آنان مهیا می سازد.

رژیم خمینی ادا منتهی کند که با ادا منتهی نهادها می رسد، ادا منتهی "امنیت" را درجا همه حکمفرما سازد. توده های مردم در تجربه روزمره خودشان در ادا منتهی ندکه این نهادها نه فقط "امنیت" بلکه "نگهبان" امنیت رژیم جنایت پیشه خمینی، "امنیت" سرمایه داران، ملاکین و مرتجعین اند، این ارگانهای مسزور و تبهکار خود مهم ترین عامل عدم "امنیت" در جامعه اند.

امروز دیگر نام "کمیته چی"، "پاسدار"، "انجمن اسلامی" صدبار بیش از نام "ساواکی" نفرت مردم را برمی انگیزاند. مردم خواستار انحلال و انهدام کمیته های سرکوب رژیم اند.

در تدارک قتل عام جدید

اصرار خمینی بر ادا منتهی جنگ ارتجاعی، بار دیگر ادا منتهی جنگ را به بسیاری از شهرها و مناطق مسکونی در کشور رسیده است. در حملات هواپیما و موشکی خمینی و صدام مدتها از زحماتشان ایران و عراق به خاک و خون غلطیده اند. هواپیما های عراقی بدون هیچگونه مانعی بر فراز شهرها و روستاهای کشور ما پرواز می کنند در حالی که جماران، محل زندگی سا برسان رژیم و مناطق مهم نظامی، دفاع نیرومند و صدها یی مواظبت می شود. صدام با استفاده از برتری نیروی هوایی خود، توده های مردم را گروه گروه کشتار می کند. طی هفته های اخیر شهرهای جنوبی و غربی کشورهای ایران و عراق را هدف بمبارانهای وحشیانه قرار گرفته اند. سران خائن رژیم مردم بی دفاع را تنها به ایستادگی و مقاومت دعوت می کنند و خود با روش مابهی به کشتار و زحماتشان عراقی مسئولند.

جمهوری اسلامی به زور سرزنش و تبلیغات عوام فریبانه بسیج گسترده نیروی دست زدن به "تجاهم بزرگ" را ادا منتهی می دهد. در جریان "هفته بسیج" یکصد هزار جوان دیگر را به نام "سایه ن محمد" به جبهه ها اعزام کرده اند. علیرغم تبلیغات عوام فریبانه رژیم مبتنی بر "شرکت داری و طلبان جوانان در جنگ" اکثریت عمده کسانی که به جبهه ها اعزام می شوند، یا به زور سرزنش و یا بدلیل فشارهای کمتر شکن ادا منتهی - مجبور می شوند که به جبهه ها بروند. قوانین شدید که علیه سرپا زان فسراری و مشولین وضع می شود و تشدید بگیری و بند جوانان، خود عمده ترین دلیل اعزام اجباری جوانان به جبهه ها است و با سرپا زان های رژیم دربار "استقبال جوانان" از جبهه های جنگ را افشا می کند. در هشتم آذر ماه بار دیگر وزارت کشور کلبه نهادها است ارتجاعی و سرکوبگر را به دستگیری فراریسان جنگ موظف ساخت. در بخشنامه وزارت کشور گفته می شود که کسانی که خود را معرفی کنند ۳ ماه و کسانی که دستگیر شوند، ۶ ماه ادا منتهی خدمت خواهند گرفت. از این پس همه جوانان ملزمند که مدارک سرپا زان

خود را همواره به همراه داشته باشند. برای اجرای این بخشنامه با سازماندهی و کمیته ها و ادا منتهی در کارخانها و مزارع و کوچوها و خیابانها، سینه ها و استادیومهای ورزشی جوانان را استگیری می کنند و یکسره با دگانها و جبهه ها اعزام می دارند.

اکنون بسیج نیرو به مرحله خطرناکی رسیده است. رژیم صدامها را بر فراز در مرزها متمرکز کرده است و آماده می شوند به حمله ساری تازه ای دست بزنند. این حمله، حمله ای فاجعه آفرین و سخت خونین خواهد بود. رفسنجان چنجا ریگ در ۲۰ مه رسماً گذشته اعتراف کرده عملیات بزرگ "حما تلفات زیاد ی به همراه خواهد داشت" اکنون او اعلام کرده است که در ادا منتهی ها این حمله نجا خواهد شد.

اوضاع کنونی جبهه و اقدامات جنون آمیز خمینی همرا انکار کرده است. رژیم خمینی هر گونه تلاش صلح طلبانه ای را بی اثر گذاشته است. قطعنامه جلسه اضطراری شورای امنیت در اکتبر گذشته که خواستار "قطع فوری جنگ ایران و عراق" شده بود، با زهم از سوی جمهوری اسلامی رد و فرستاجای "صلح را" خطرناکترین حرف دشمنان "خواند. جنگ طلبی خمینی اوضاع منطقه را سخت خطرناک کرده است. رژیم که از بیماران جزیره لارک توسط عراق با احتمال کاهش بیشتر در صدور نفث سخت خشکین و زخم خورده است حملات تبلیغاتی تا زده ای متوجه برخی کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس و بویژه کویت ساخته است. جمهوری اسلامی این کشورها را بدلیل همدستی با عراق در حمله به لارک "اشکارا ا تهدیدی کند و از احتمال گسترش جنگ سخن می گوید.

جنگ طلبی خمینی و وخامت بیش از پیش اوضاع منطقه شرایط مناسب را برای امپریالیست ها فراهم آورده است تا بطور متب بر حضور نظامی خود در منطقه بنشینند و رژیمهای ارتجاعی منطقه را با ادا منتهی سلاح و کمک های مالی تقویت کنند. آمریکا به بهانه توجیه از طریق ارسال سلاح جای پای خود را در جمهوری اسلامی محکم می کند. اکنون اشکارا رسیده است که آمریکا بیجا تا چه حد در ادا منتهی این جنگ دینفند و رژیم خمینی را با انواع سلاحها و ادا منتهی غیبی - مدتها پیش نیروهای انگلستان و عمان نیز در منطقه ادا منتهی ۲۴۰ کیلومتر با منطقه جنگی قائله ادا منتهی دست به ما نور

مشترک زدن. در این ما نور ۵۰۰۰۰ سرپا زانگلیسی و هزاران سرپا زان عمانی شرکت داشتند. واقعات نشان دهنده آن است که هدف از این توجیهات و عملیات دیگرانه "مقابله با گسترش جنگ ایران و عراق" بلکه برافروختن بیشتر آتش آن و نظامی کردن منطقه است.

دربار ایران سیاست جنگ طلبانه امپریالیستی، سیاست صلح جو یا نه ادا منتهی تهری و دیگر کشورها و نیروهای ترقیخواه جهان قرار دارد. کشورهای سوسیالیستی خواهان قطع فوری جنگ ایران و عراق هستند.

امروز اکثریت قریب به اتفاق مردم ایران با جنگ مخالفند. اما علیرغم این مخالفتها خمینی همچنان جنگ را ادا منتهی می دهد. خمینی دشمن صلح است و از این جنگ دل نخواهد کند. تنها با گسترش مبارزه می توان جلوی ادا منتهی جنگ و تهاجم بزرگی را که رژیم در صدد اجرای آن است و به قیمت قربانی شدن دهها هزار تن دیگر تمام می شود، گرفت. عدم پرداخت کمک مالی، گسترش تبلیغات و مبارزه صلح طلبانه در جبهه ها، مقاومت دربار برای اعزام های اجباری و خشناسی کردن نقشه رژیم برای بسیج یک میلیون نفری تا کتیکهای است که امروز از طرف مردم زحمتکش و جوانان برای مقابله با جنگ بکار گرفته می شود. این تا کتیکها به رژیم و نقشه های جنگی آن ضربه بزرگی می زند و زمین نظریا پدیده هر چه بیشتر آنها را بکار گرفته، اما این تا کتیکها به تنها بی نمی تواند رژیم را مجبور به قطع جنگ سازد. برای پایان دادن به جنگ با ادا منتهی اعتراضات همگانی توده های را گسترش داد. رژیم خمینی قادر نیست دربار سران مقاومت کند. در مبارزه علیه جنگ با ادا منتهی پیش از پیش بسیج طبقه کارگر را به محور فعلیت تبدیل کرد. توضیح چنجا با تبهکاریها و جنگ، نقش جنگ در بدبختی عمومی مردم و چپاول و غارت سرمایه داران بزرگ و سرکوب آزادی ها و بویژه توضیح رابطه جنگ با وخامت روز افزون وضعیت مادی طبقه کارگر، اغراجهای دسته جمعی، دست زدهای اندک، کراسی و تسخیر می شود طبقه کارگر را بعنوان نیروی متحد و قدرتمند پیش از پیش دربار بر جنگ و رژیم قرار دهد و افاق برقراری صلح را در یک بیکار جدی علیه رژیم در میهن ما روشن سازد.

مرگ بر جنگ و استبداد، زنده باد صلح و آزادی

کنترل تلفنی و راه مقابله با آن

تلفن یکی از وسایل ضرورتاً در تمام ارتباطات سازمانی است. استفاده از تلفن بعنوان وسیله‌ای سریع و مستقیم برای ارتباط بین افراد بسیار آسان و بی‌خطر است. اما با بیدار شدن ذهن دشمن نسبت به ارتباطات تلفنی، راه مقابله با آن به یک مسئله فوری و حیاتی تبدیل شده است. در این زمینه، روش‌های مختلفی در دسترس قرار گرفته است. این روش‌ها عبارتند از: استفاده از کد، استفاده از رمز، استفاده از سیستم‌های رمزنگاری و غیره. اما مهم‌ترین روش، استفاده از سیستم‌های کنترل تلفنی است. این سیستم‌ها به گونه‌ای طراحی شده‌اند که به افراد اجازه می‌دهد تا به راحتی با یکدیگر ارتباط برقرار کنند، اما در عین حال، به افراد دشمن اجازه نمی‌دهد تا به راحتی با افراد مورد نظر خود ارتباط برقرار کنند. در این مقاله، به بررسی روش‌های کنترل تلفنی و راه مقابله با آن خواهیم پرداخت.

تلفن یکی از وسایل ضرورتاً در تمام ارتباطات سازمانی است. استفاده از تلفن بعنوان وسیله‌ای سریع و مستقیم برای ارتباط بین افراد بسیار آسان و بی‌خطر است. اما با بیدار شدن ذهن دشمن نسبت به ارتباطات تلفنی، راه مقابله با آن به یک مسئله فوری و حیاتی تبدیل شده است. در این زمینه، روش‌های مختلفی در دسترس قرار گرفته است. این روش‌ها عبارتند از: استفاده از کد، استفاده از رمز، استفاده از سیستم‌های رمزنگاری و غیره. اما مهم‌ترین روش، استفاده از سیستم‌های کنترل تلفنی است. این سیستم‌ها به گونه‌ای طراحی شده‌اند که به افراد اجازه می‌دهد تا به راحتی با یکدیگر ارتباط برقرار کنند، اما در عین حال، به افراد دشمن اجازه نمی‌دهد تا به راحتی با افراد مورد نظر خود ارتباط برقرار کنند. در این مقاله، به بررسی روش‌های کنترل تلفنی و راه مقابله با آن خواهیم پرداخت.

به جعبه تلفنهای محلات مراجعه میکنند و شماره آخر تلفن نیز مشخص می‌شود. مجموعه این شماره‌ها در دفتر مرکزی جمع‌آوری می‌شود. در این روش، شماره تلفن به عنوان یک کلید برای دسترسی به اطلاعات مورد نیاز استفاده می‌شود. این روش به قدری ساده است که حتی افراد غیر متخصص نیز می‌توانند از آن استفاده کنند. اما این روش به دلیل سادگی، به راحتی می‌تواند توسط دشمن کشف شود. بنابراین، استفاده از روش‌های پیشرفته‌تر برای کنترل تلفن، ضروری است.

بلوکهای کنترل عبوری هستند. هر بلوک کنترل میتواند مدت و شماره تلفنهای طرفین مکالمات هزاران مکالمه تلفنی را بطور همزمان ثبت و در حافظه خود نگهدارد. دستگاه‌های مخابراتی که مجهز به سیستم بلوکهای کنترل و وصل اند، مکالمات تلفنی را ثبت می‌کنند و در حافظه خود نگهداری می‌کنند. این سیستم‌ها به گونه‌ای طراحی شده‌اند که به افراد اجازه می‌دهد تا به راحتی با یکدیگر ارتباط برقرار کنند، اما در عین حال، به افراد دشمن اجازه نمی‌دهد تا به راحتی با افراد مورد نظر خود ارتباط برقرار کنند. در این مقاله، به بررسی روش‌های کنترل تلفنی و راه مقابله با آن خواهیم پرداخت.

- ۱- بدست آوردن اطلاعات در مورد اعضا و فعالیت‌های آنان تا زمانیکه اطلاعات کافی در اختیار شما قرار گیرد.
- ۲- تعیین ساعات و مکان‌های ملاقات و دیدارها.
- ۳- اطلاع از میزان تارخاتی و نظرات مردم.

چگونگی کنترل تلفنهای داخل کشور:

در توضیح این امر، اگر ما سیستم کنترل تلفن را در نظر بگیریم، در هر ساعت از شبانه‌روز، تعداد ۶۰۰/۰۰۰ مکالمه در تهران انجام می‌گردد. این تعداد، به قدری زیاد است که کنترل آن به یک مسئله فوری و حیاتی تبدیل شده است. در این زمینه، روش‌های مختلفی در دسترس قرار گرفته است. این روش‌ها عبارتند از: استفاده از کد، استفاده از رمز، استفاده از سیستم‌های رمزنگاری و غیره. اما مهم‌ترین روش، استفاده از سیستم‌های کنترل تلفنی است. این سیستم‌ها به گونه‌ای طراحی شده‌اند که به افراد اجازه می‌دهد تا به راحتی با یکدیگر ارتباط برقرار کنند، اما در عین حال، به افراد دشمن اجازه نمی‌دهد تا به راحتی با افراد مورد نظر خود ارتباط برقرار کنند. در این مقاله، به بررسی روش‌های کنترل تلفنی و راه مقابله با آن خواهیم پرداخت.

ما مورین کنترل علاوه بر تلفنهای تحت نظارت، روش‌های مختلفی برای کنترل تلفنهای مختلف مردم می‌بینیم. در این روش، شماره تلفن به عنوان یک کلید برای دسترسی به اطلاعات مورد نیاز استفاده می‌شود. این روش به قدری ساده است که حتی افراد غیر متخصص نیز می‌توانند از آن استفاده کنند. اما این روش به دلیل سادگی، به راحتی می‌تواند توسط دشمن کشف شود. بنابراین، استفاده از روش‌های پیشرفته‌تر برای کنترل تلفن، ضروری است.

چگونگی کنترل تلفنهای داخل و خارج:

این تلفن‌ها به نسبت تلفنهای داخلی کشور در مقیاس کمتری در دسترس قرار دارند. این تلفن‌ها به گونه‌ای طراحی شده‌اند که به افراد اجازه می‌دهد تا به راحتی با یکدیگر ارتباط برقرار کنند، اما در عین حال، به افراد دشمن اجازه نمی‌دهد تا به راحتی با افراد مورد نظر خود ارتباط برقرار کنند. در این مقاله، به بررسی روش‌های کنترل تلفنی و راه مقابله با آن خواهیم پرداخت.

از مجموع آنچه گفته شد باید این نتیجه را گرفت که تلفن یک ابزار بسیار مهم و حیاتی در دسترس دشمن است. استفاده از تلفن به گونه‌ای که به افراد اجازه می‌دهد تا به راحتی با یکدیگر ارتباط برقرار کنند، اما در عین حال، به افراد دشمن اجازه نمی‌دهد تا به راحتی با افراد مورد نظر خود ارتباط برقرار کنند. در این مقاله، به بررسی روش‌های کنترل تلفنی و راه مقابله با آن خواهیم پرداخت.

الف - موارد چگونگی استفاده از تلفن در روابط سازمانی داخل:

تعمیر تلفن می‌تواند جهت برقراری برخی روابط سازمانی برای حفظ ارتباط، دادن و گرفتن اطلاعات سلامتی و خطر، احضار طرف مقابل، انتقال برخی اخبار حساس و پیام‌های مهم و عاجل سازمانی به شکل زیرمورد استفاده قرار گیرد:

- ۱- تماسهای مستقیم تلفنی:
- ۲- استفاده از تلفن برای انتقال اطلاعات و اخبار حساس:
- ۳- استفاده از تلفن برای انتقال اطلاعات و اخبار حساس:

در شرایط کنونی مبارزه با اطلاعات و افراد و عوامل دشمن، استفاده از تلفن به گونه‌ای که به افراد اجازه می‌دهد تا به راحتی با یکدیگر ارتباط برقرار کنند، اما در عین حال، به افراد دشمن اجازه نمی‌دهد تا به راحتی با افراد مورد نظر خود ارتباط برقرار کنند. در این مقاله، به بررسی روش‌های کنترل تلفنی و راه مقابله با آن خواهیم پرداخت.

اعتراض و مبارزه در ارتش

زندگی سربازان، پرسنل نیروهای مسلح، درجه داران و افسران جزء در کما بودی و هیچ خونین میگذرد. نظام میا تبدیلشفتا نیستش ارتش آمریکا ج مرگ درجه داران هستند. آدا مه جنگ در حرکت ۶ ساله خود از روی اجساد دهها هزاران نظامی گذشته و یکصد هزار نظامی زخمی و معلول برجای گذاشته است. مرگ حتی در شرایط آرا نسبی درجه داران است. می کنند اما رتبه ها را نماند در عملیات تعرضی به حد وحشت آوری بالاست. تنها در عملیات تصرف مهران ۲ هزار گشته و ۱۰ هزار مجروح از واحدهای ارتشی برجای ماند.

پرسنل ارتش هیچ شعری در آدا مه جنگ ندارد. افشای ماهیت تجارک و کارانه و ارتش با جنگ و افشای وعده های نوبتی رژیم برای یکسره کردن کار جنگ آنها را بیش از پیش به مخالفت با جنگ برمی انگیزد. اکثریت پرسنل نیروهای مسلح کژیهای برای آدا مه جنگ ندارد و صلح بینه خواست عمومی و مشترک آنها تبدیل شده است. ناراضی پرسی ارتش آدا مه جنگ، اعتراضات آنها نسبت به خفقان در ارتش، ضدیت آنها با فرماندهان ارتش و استبداد رژیم و عوامل رکن ۲ و دوا برسیاسی - ایدئولوژیک، و نیز بیابین بودن میزان حقوقها در شرایط گران سرما و مشکل مسکن و مشکلات مابا دیگر زمینه گسترش اعتراض در ارتش است.

بخش مهمی از بحران درون ارتش را تشا در ارتش با سپاه و تلاش رژیم برای اسلامی تر کردن آن تشکیل می دهد. عملکرد این تشا در وضعیت پرسنل ارتش را دشوارتر میکند و اعتراضات آنها را شدت می بخشد. پرسنل نیروهای مسلح نسبت به تبعیض در اختصاص بوجه، حقوق و مزایای رفاهی و حتی امکانات زیستی درجه داران بین ارتش و سپاه، دخالت سپاه در امور ارتش و اعمال زور برای برقراری قیود اسلامی در ارتش اعتراض می کنند. تنفر از سپاه و عملکرد ارتش است بموازات نفرت از فرماندهان ارتش وابسته به رژیم در میان پرسنل نیروهای مسلح رشد می کند.

دوا برسیاسی - ایدئولوژیک و رکن ۲ ارتش با برقراری فضای گفتیش عقاید و نیز ترغیب ترغیب روابط و زندگی خصوصی افراد با تشا با سیسی عناصر انقلابی و سرکوب هرا اعتراض و مبارزه ای در ارتش، شرایط انجام وظیفه پرسنل را دشوارتر می کنند. ذهنیت عمومی پرسنل ارتش و سربازان برضد این فشا رهاست.

درجه داران، سربازان و افسران جزء، بینه فرار خود به تشا نسبت به رژیم و جنگ، اینجواب آنجا از انجام دستورات نظامی سرپیچی می کنند و به ضروری در عملیات ارتقا می کنند. طرح شعارهایی نظیر " تهران انقلاب ایران، صلح می آیم" در مقابل شعار " کربلا ما می آیم" که توسط رژیم طرح می شود، بیا نگر و بیهوش پرسنل در مخالفت با آدا مه جنگ است. ترک خدمت، تقاضای بازنشستگی، باز خرید و حتی فرام آوردن اسباب آخراج خود، از جمله اشکال بسیار از مخالفت پرسنل ارتش با آدا مه جنگ است.

ضعیت کنونی ارتش وضعیت بسیار رمانا سیسی برای تبلیغ انقلابی و جلب هر چه بیشتر نیروهای مترقی و میهن پرست درون ارتش به مبارزه علیه جنگ رژیم و حمایت از آزادیهای انقلابی است. هما نظور که تجربه انقلاب بهمن نشان داد که در میان ارتش و جلیب ارتشیان میهن پرست به سوی مردم، اهمیت بسیار عظیمی دارد. با بسند کوشید تا از وضعیت مسا عدم وجود حد اکثر استفاده بدست آید و نیروی میهن پرستان ارتشی برای نبرد علیه این رژیم شبکارا سیسی گردد. انجام این وظیفه مهم هم از طریق تبلیغ و فعالیت از بیرون ارتش و هم از طریق کار آگاه هکراته و سازمان نگران در درون ارتش با بصورت گیرد. در راستای انجام این وظایف فعالین انقلابی درون ارتش، و بطور اخص ارتشیان آگاه و پیشرو نقش خود بیژده ای دارند. ارتشیان پیشرو آگاه با بیدا بهره گیری از تجارب انقلاب بهمن، مبارزات کنونی تسوده ارتشیان را در پیوند با جنبش توده ای علیه رژیم خود که مه جنگ طلب جنبشی سازمان دهند.

علیه سپاهیان جنگ طلبانه امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکارا تشدید نمود. از جمله حمایت خود را از پیششهادت صلحجویانه اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی در این زمینه ابراز میداریم. سازمان گرانای عمیق خود را از آدا مه جنگ ایران و عراق که بدست رژیم دیکتاتور صدام حسین آغاز و توسط رژیم ارتجاعی خمینی دنبال میشود، بویژه خطر گسترش ریزگری که در کنگریده است، اعلام میداریم. ما خواهان قطع فوری این جنگ خائنانه و سراسر صلح عادلانه و دموکراتیک هستیم.

تمام گرفته شود. این تشاها با بیدا از طریق رفقای واسط صورت گیرد. رفقای خارج با بیدا تلفنهای عمومی و یا تلفنهای کالان شناخته شده برای برقراری ارتباط با داخل استفاده نمایند. ضوابطی که قبلا برای تماس با تلفن واسط گفته شد را اینجا نیز تماما با بیدرعا بیت کرده، با این تاکید که به سبب تحت کنترل بودن حتمی تلفن، در عادی و متناسب بودن مکالمه با بیدرعا گفتار دقت را مبذول نمودند و نیز تکرار تلفنهای نیا بیدا وضعیت فرد واسط بکلی نامتناسب باشد.

ب- درباره استفاده از علائم قراردادی

۱- علائم سلامتی و شناسایی: شروع هر مکالمه تلفنی با بیدرعا سلامتی و علامت شناسایی (در صورت تا شناسایی بودن صدا) بین طرفین گفتگو در ویدل شده و بعد از آن مکالمه آدا مه یا بد. این علائم که از قبل تعیین می شوند با بیدرعا گفتار انتخاب شوند که بطورکاملا طبیعی در بیا رات شروع مکالمه جای بگیرند و پلیس حتی در کنترل مداوم خود قدا در به تشخیص آنها نیابد. داشتن علائم خطری که آن نیز بصورتی عادی در مکالمه قابل ذکر باشد، حتما ضروریست. بعضا هم ممکنست بجا علامت سلامتی از علامت خطر (وقتیکه اتفاق بیفتد) استفاده نمود ولی درست تر و مطمئن تر آنست که هر دو علامت بین طرفین تماس موجود باشد. در مواردی هم که از تلفن واسط استفاده میشود، علاوه بر علامت سلامتی و شناسایی هر رفیق با بیدرعا واسط ضروریست که علامت سلامتی و شناسایی جداگانه ای - بدون اطلاع فرد واسط - بین طرفین ارتباط وجود داشته باشد.

علاوه بر اجرای ضوابط ذکر شده می بایستی صدا، لحن و نحوه برخورد طسرف مکالمه را نیز به خاطر سپرد و در هر تماس روی آنها دقت نمود. همواره باید توجه داشت که این امکان وجود دارد که پلیس با کشف علائم تلفنی به جای یکی از طرفین قرار گرفته و پس از اینکه اورا دستگیر کرده و مجبور به اعتراف برای قرارگاه تلفنی بکند.

۲- علائم قرار دادی در مکالمات تلفنی: طرفین مکالمه باید کلمات و اصطلاحات رایج در گفتگوهای سازمانی (مانند: قرار، جلسه، نشیبه و...) را که در ارتباط فیما بین خود به آنها احتیاج می یابند، از پیش مشخص کرده و بجای آنها کلمات و اصطلاحات عادی کلمه در مکالمات معمولی مردم بکار میروند جایگزین نمایند. این کار باید با حوصله و دقت کافی صورت گیرد و از برخی کلمات جایگزین رایج کب مفهوم آن برای پلیس شناخته شده است اجتناب شود و در انتخاب کلمات موقعیت ما حب تلفن نیز در نظر گرفته شود. در عین حال ضروریست برخی کلمات قراردادی که مرتبا تکرار میشوند را بطور مرتب تغییر داد.

انتخاب کلمات یا بیده در عمل دشوار است و نباید نخواهد داشت، اما میبایست بیشترین دقت و حوصله را در تهیه عبارات و جملات مناسب از این کلمات برای تنظیم مکالمه و پیام بکار بست. امری که البته با مدتی ممارست به راحتی قابل اجرا خواهد بود. بدین منظور با بستن قبیل از هر مکالمه روی مضمون و متن گفتگو بطور دقیق فکر شده و بعد از تنظیم و خلاصه کردن مطلبی که باید گفته شود، علائم قراردادی را جایگزین کلمات و اصطلاحات سازمانی - سیاسی آن کرد. بدون چنین تدابیری امکان استفاده درست از کلمات جایگزین میسر نخواهد بود.

۳- علائم قرار دادی برای ارقام و مشخصات:

در تشاها تلفنی نیابستی هیچگونه ارقام و مشخصات واقعی و به بیان دیگر اطلاعات زنده و مشخص در ویدل شود. بدین منظور با بیدا از قبل قراردادهای لازم برای تبدیل و ایجاد تغییراتی در شماره های تلفن، تاریخ، روز و ساعات قرارها و دیگر مشخصات عددی که در تماس تلفنی در ویدل خواهند شد معین شده باشد. ارقام مزبور باید با تغییراتی همراه باشد که تنها طرف مقابل ویا گیرنده پیام قادر به تشخیص ارقام واقعی است.

بایانه مشترک سازمان جوانان ۴ کشور

هیأتی نمایندگی اتحادیه عمومی دانشجویان عراقی، جوانان مترقی ترکیه، سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران، سازمان دانشجویان پیشگام ایران و فدائیسویون دمکراتیک دانشجویان پاکستان طی ملاقاتی در جریبا اعلان دانشجویان جهان در باره یکبایانه مشترک نمودند که ما قسمتی از آن را در درج میکنیم: ما از ضرورت تشدید مبارزه در راه جلوگیری از مسابقه تسلیحاتی و کشاننده شدن آن به فضای کیهانی دفاع نموده و معتقدیم که با بیدرعا

تلفن واسط تلفنی است که متعلق به امکانات فامیلی، هواداران و یا اعصابی که دارای رابطه غیر مستقیم و یک طرفه با سازمان می باشند. وظیفه فرد واسط گرفتن بیامهای تلفنی و انتقال آنها به طرف تعیین شده است. واسط با بیدرعا مطمئن منضبط و دقیق بوده و آموزشهای لازم به وی داده شود. نکاتی که در استفاده از تلفن واسط باید رعایت شود، عبارتند از:

۱- بیامهای گذاشته شده با بیدرعا کلماتی قراردادی، به شکلی عادی و بطور دقیق تنظیم شود. بر بیام در عین حال با بیدرعا و علامت سلامت (با علامت معینی که در صورت خطر حتما با بیدرعا م منعکس شود) باشد. صاحب تلفن واسط نیز نباید از مسائلی قراردادهای و علائم فیما بین طرفین اصلی رابطه مطلع باشد.

۲- تماس با تلفن واسط با بیدرعا از طریق تلفنهای عمومی برقرار نشود از هر تلفن واسط جدا کربیش از ۳ رفیق نیا بیدا استفاده کنند.

۳- با خود واسط هم با بیدرعا سلامتی (با خطر) تعیین نکرد. تا قبل از دادن و گرفتن بیامها از سلامتی وی اطمینان حاصل گردد. بطولوه هر چند وقت یکبار با بیدرعا امنیتی فرد واسط بررسی شود.

۴- به جای استفاده از اسامی سازمانی باید طبق قراردادی از اسامی اقوام آشنا با ن معمولی فرد واسط استفاده شود.

۵- ثبت و نیز انتقال دقیق و بدون کسوت تمام بیام (بدون برهم زدن نظم جملات) آفا یا کردن کلمات و تفسیرو توضیحات شخصی با بیدرعا واسط آموزش داده شود. بیامها پس از انتقال به طرف مقابل با بیدرعا برده شوند.

۶- توجه دادن دقیق واسط به صدای افرادی که وی واسط تلفنی آنهاست، برای جلوگیری از سوء استفاده دشمن.

۷- مواردی که واسط شخصا از دستگیری یک طرف آگاه شده باشد، با بیدرعا دیگری اطلاع دهد.

۸- رفقای مسئول در صورت لزوم می توانند بجای خود فرد دیگری را برای تلفن زدن به فرد واسط معرفی کنند (تلفنی). در این صورت فرد مزبور نیز با بیدرعا مسایل فوق الذکر را رعایت نماید.

۹- رفقا با بیدرعا واسط تلفن واسط دیگری بعنوان ذخیره داشته باشند تا در صورت ضرورت ورود بلافاصله تشاها تلفنی خود را به آن منتقل نمایند.

ب- موارد و چگونگی استفاده از تلفن در روابط داخل و خارج

تماسهای تلفنی داخل و خارج می توانند برای دادن و گرفتن علامت سلامتی و خطر، انتقال برخی اخبار حساس و بیامهای مهم و عاجل سازمانی در مورد استفاده قرار گیرند. مهم ترین نکاتی که در مورد چگونگی انجام این تماسها با بیدرعا است شود عبارتند از:

۱- با توجه به آنچه گفته شد ما می تلفنهای داخل و خارج مورد کنترل و استراق سمع قرار دارند، مساله اصلی در مورد همه این تماسهای تلفنی، رعایت عادی بودن مکالمه و متناسب بودن آن برای گفتگو داخل و خارج است. بدین منظور اول طرفین با بیدرعا قراردادی متنوعی فیما بین خود داشته باشند، تا نیاب برای احتراز از هر گونه بی دقتی، قبلا با بیدرعا بیام مورد نظر کار کرده و متن نوشته شده آنرا جهت گفتگوسوی تلفنی آماده نمایند.

۲- رفقای داخل و خارج نیابید هیچگونه تماسی با شماره های مرکز ارتباطات خارج داشته باشند. این شماره ها عملا در اختیار افراد کنترل کننده مرکز تلفن قرار داشته و تماسها آنها بلافاصله مشخص می شود. در موارد اضطراری و مهم که تماس با شماره های مزبور ناگزیر گردد، این تماسها حتی الامکان با بیدرعا تلفن امکانات جنبی انجام شود. مکالمه با بیدرعا باشد و بویژه رفقای که دشمن در دستگیر کرده اند و دستگیری آنهاست با بیدرعا صله (در عرض چند دقیقه) محل تلفن را ترک نمایند. تلفن امکان مزبور نیز با بیدرعا فریض شود.

برای تماس با خارج می توان از تلفن برخی آشنایان در خارج و یا تلفنهای مطمئنی که به بدین منظور داده می شود برای گذاشتن پیام و ارتباط با سازمان بهره گرفت. در این موارد نیز نیابید از تلفن امکانات اصلی استفاده نمود. استفاده از تلفنهای مرکز مخابرات فقط برای شماره های کلا مطمئن خارج مجاز خواهد بود. اما با بیدرعا نظر داشت که تلفن مورد نظر ما امکان دارد در ارتباطات دیگر مورد حساسیت پلیس بوده با بشود در هر حال به سبب استراق سمع حتمی تماس تلفنی، در عادی و متناسب بودن مکالمه با بیدرعا حد اکثر دقت را مبذول داشت و تا حد ممکن مسدود مکالمه را کاهش داد.

۳- برای ارتباط از خارج به داخل نیابید با تلفن امکانات اصلی مسئولین و فعالین



رعایت کردیم، موجب شد که سرخ های ارتش با طبع بزودی قطع شود و پلیس نتواند نبدانها دست یابد. آنچه که به دستمان آمد، فقط چندین دستساز بود و پلیس در آغاز خیلی تلاش داشت که با ایجا ساد فضای سیاه و رعب و وحشت چنان بنما بد که همه چیز در کف آنهاست. اما نتیجه کار نشان داد که این چنین نیست. با پذیرش برخی مدارک، ارا به توجیحات مناسب و تحویل مشت مشت دروغ توانستیم پرونده را طوری جمع و جور کنیم که سوراخسی نداشته باشد.

پس از ورود به سلول، فشار شکنجه برای مدتی کمتر شد. "راشد" را آغاز کردند. در اینجا با زجو عمدتا با تلوع کردن و در هم ریختن ذهن، تلاش می کردند تا اطلاعات عمومی از ما لبت و کسار و تشکیلات بدست آورد و بیهوده طرف مقابل چند مرتبه حلاج است. من عموما خیلی کم حرف می زدم، بنده سئوالات مختصر پاسخ می دادم، و از به کار بردن اصطلاحات حساسیت برانگیزا چنان بی می کردم.

مدت یک ماه، بی هیچ مراجعه ای در سلول رها شده بودم. زخمها و بدنم آرام آرام در حال بهبودی بود. در یک نیمه شب ناگهان با سر و صدای فراوان به درون سلول ریختند و بیدارم کردند. به محض ورود به اتاق با زوجی با ضربیه که به سرم وارد آمد، سکنجری خوردم. خود را جمع و جور کردم، داد و فریاد دعویانی با زجوبه آسمان می رفتم. می گفت که حرفهایم را زنده مواعترتاً فات جدیدی در مورد شده است. دستها را به تشکیلات قبلی از پشت کردن و کمر به هم بستند. روی تخت درازم کردند و شلاق آغاز شد. کابل، روی پایهای با ندیچی شده و زخمهایی که تازه در حال التیام بود، به سرعت اثر گذاشت. قطرات گرم خونی که از نوک انگشتانم به زمین می چکیدند احساس می کردم. در میان آنها هوای ششجگر آن، نعره های گرفته ام که ملامت شخصی بود.

حداقل ۴ ماه شین و موثر سیکلت ما را همراهی می کرد که در تمام طول مسیر با بی سیم مرتباً در تماس بودند. علامت سلامتی خود را به ترتیبی که گفته بودم، بیکار "برادرها" روی کیبوسیکل تلخ نزدیک به محل قرار زده بود. صحبتی که ما آما ده بود، تار فنی که سوراخ را ضربه می خورد دستگیر کنند و مسلسل ها و وسایل شستشو معدده آما ده بودند. پیش از آن نقره آما مسوران سا وک خمینی و تعدادی وسایل نقلیه جنایتکاران در منطقه گشت می زدند.

با اواخر پس از آن ماه، صدایم کردند تا برای انتقال به زندان قزلحصار خود را آما ده کنم جدا شدن از بچه هایی که در این مدت با هم نزدیک شده بودیم، برایم خیلی سخت بود. در سیکل صدایم که گویا در گوشه ای کشیدم و خدا حافظی کردم. وقتی از سلول بیرون می رفتم، اشک در چشمانم همه حلقه بسته بود، رفیقا در این روزها را شوار، رفیقا عمیق و پایداری است. ما در دوره ای به زندان قزلحصار وارد شدیم که حاج داوود رحمانی، جلال معروف، رئیس زندان بود. ابتدا ما را به مسجد زندان بردند و سپس به سلول های مختلف تقسیم کردند. تخطیقات در این زندان فوق العاده شدید بود. خرید از فروشگاه زندان تنها با پدیده شکل فردی صورت می گرفت. اگر می دیدند که دو نفر یک سیکل را می کشند کسی به دیگری سیکل نمی دهد. کاربشان به تنهایی و بکت کشیده می شد. ما بچه های خودشان را با شرایط تطبیق داده بودند. زندگانی همچنان به شکل مشترک اما در وضعی خاص پیش می رفت. خرید همه چیز فردی بود، اما استفاده از آنها به شکل جمعی انجام می گرفت. عنا صسر و مقایم گروههای مختلف که اکثریت زندانیشان را تشکیل می دادند با یکدیگر ارتباطات مخفی و منظم داشتند. رابطه میان گروههای انقلابی نیز در مجموع مثبت بود. تنها دل تجریه در مورد با زوجی و برخورد با پلیس انجام می شد. در امور صنفی زندان نیز روح عمل وجود داشت. گاهی کلانهای علمی مشترک نیز بین ما برگزار می شد. غیرمقاومت و شهادت رفقای سازمان ما اعتبار و ابروای فراوانی برای ما در میان دیگر نیروهای سیاسی ایجاد کرده بود. هشیاری بچه ها، توطئه های رژیم برای ترغیب آنها ختن میان زندانیشان را خنثی می کرد.

ناگهان فشار در قزلحصار شدت گرفت. شب عا سورا ۳۰ نفر را به جرم چندین به مراسم نوحه خوانی به تنهایی بردند و آنقدر در بندند که خون استفراغ کردند. چند روز بعد حاج رحمانی به داخل بند آمد، چند نفر از ما را جدا کرد و به اتاقش برد، چرا بیم ما را خواستند و اعلام کرد که به "قیامت" می رویم. جرم من تشکیل دادن کلاس مارکسیستی در زندان بود. حاج آقا در سخنرانی کوتاهی گفت که ۶۰٪ قیامت در همین جاست و

پس از مدتی فکر کردن توانستیم به یادش بیاورم. اطلاعاتی که می داد، خیلی کم بود. از زندان زمان شاه و اوایل انقلاب، موجودی در هم شکسته بود که احتمالاً در گشت زنی مرادیده و شناسایی ام کرده بود. از مدتها پیش احساس می کردم که تعقیب می شوم. حالامی شدن زنده که همین آدم پیدا می کرده اند. وبه تعقیب و مراقبت

گزارشی از زندان

در آزمون آتش

برداخته اند. از دوره ای که احساس کردم در تور قرار گرفته ام، بسیاری از رابطه هایم تغییر کرده بود. اما هنوز مشخص نبود که آنها چقدر اطلاعات بدست آورده اند.

در حالت آویزان شروع به زدن کردند. تمام تنم و بیضی از همه پا هایم از ضربات شلاق می سوخت. کتفها داشتند از جا کنده می شدند، حرف هایم با زجورانی شنیدم. عرق به تمام تنم نشسته بود. احساس می کردم که از بدنم بخار بلند می شود. دلم می خواست برای یک لحظه هم که شده پا هایم به زمین برسد. تلاش کردم که اندیشه را از چشمان دیواری اتاق شعری بیرون بکشم. به کارگرانی فکرمی کردم که به مایه پیش در اعتراض به ارجاشان اعلامیه داده بودیم. منظره خانه یکی از آنها که به دیدنش رفته بودم و در ما ندگی زن و بچه هایش در ذهنم زنده شد. من برای تشکلهای رنج نکشند و ساداشند با شنیدم. این چنین تشکلهای ردم. سرم به دور افتاد. ضعف، بی غذایی و شکنجه مداوم گیج کرده بود. مثل اینکه به درون چاه عمیقی سقوط کرده باشم، چشمهایم ریفت. بیخوش شدم. روی میز با زجو، عکسهای من در جاک های مختلف و زما نیی گوناگون دیده شده بود. بی هیچ سقوتی که با زنی در تیار ما همه چیز تشکیلاتشان را از با لثا با یین می دانیم. اینهمه گتک مفت هم خوردی فقط برای این بود که دم بشی، حالامثل بچه آدمیزاد، شروع کن.

می خواستند که به خانوادها ما اطلاع دهیم که چند روزی به مسافرت می روم و حساب آنها را سرقرار مسئولم ببریم.

حداقل ۴ ماه شین و موثر سیکلت ما را همراهی می کرد که در تمام طول مسیر با بی سیم مرتباً در تماس بودند. علامت سلامتی خود را به ترتیبی که گفته بودم، بیکار "برادرها" روی کیبوسیکل تلخ نزدیک به محل قرار زده بود. صحبتی که ما آما ده بود، تار فنی که سوراخ را ضربه می خورد دستگیر کنند و مسلسل ها و وسایل شستشو معدده آما ده بودند. پیش از آن نقره آما مسوران سا وک خمینی و تعدادی وسایل نقلیه جنایتکاران در منطقه گشت می زدند.

عقربه ساعت با گندی به ۶ بعد از ظهر نزدیک می شد. با دقت به محل قرار چشم را دوخته بودم. شکنجه گران نیز با هم داشتند مرا زیر نظر داشتند تا هر تغییر احتمالی را به سرعت دریا بند آدها، خسته از کار به سرعت به خانه هایشان بازمی گشتند. هیچیک از آنها حتی حدس هم نمی زدند این ماشینها بی که خیلی عادی کنار خیابان ایستاده اند، چه چا نوران آدم خوری نشسته اند. ندی دانستند که به چنانا های در همه سیکلشان - در زندانهای شهر - رخ می دهد. خوش آن روزی که با زهم بسا یکدیگر، سلاح به دست بر خیزیم و این گزرها سوراخ موش قیمت کنند.

پس از ۲ ماه به سلول منتقل شدیم و زندگانی کردن در راهروها یا ورودی بندها با چنان بسته، با های متلاشی و بی تحرک، چنان بلای به سرم آورده بود که انتقال به سلول محل صاحب ممکن شدن یک بی خانمان، لذت بخش بود. به زوجی تا کنون با موفقیت پیش رفته بود. مرحله به مرحله و با تحمل فتنه در درین مسدت توانستیم مجموعه اطلاعاتی که در مورد ما داشتند را بفهمیم. اصل مهم در تمام این لحظات هیچ چیز تازه به ذهنم ندادن بود. تمهیدات امنیتی که قبل از دستگیری به کار بسته بودیم و بوی سوز ننگاشی که پس از احساس تحت مراقبت بودن

وقتی کنار آمدند و گفتند: "سرمو داد نکسن و سورا ما شین شو" به سرعت دستم که در استکان از جگر، راست با خودم گفتم: "قلتی رفتی کسه سا لیا بیما نی، ما یادت نرو دکه شرافقت را پیش از هر چیز دیگری با بد حفظ کنی، استجان دیگسری در پیش است. قیافه "برادرها" اطلاعاتی نبود. صورتها ی از ته تراشیده با لبها سهای شک و ما شین خارجی مدل بالا.

مقامات کار خیلی طولانی نبود. گفتند که بی رودرباشتی با بد شخصیات کامل، نسام مسئولین، جارت تشکیلات تحت مسئولیت، قرارها، خانه ها من و محل اختفای سلاح را با جویم و خلاص شوم والا تکه باره ام خواهند کرد. بی صدایی که فکر می کردم فقط خودم می شنوم، از لای دندنا نیاسخ دادم: من از هیچ تشکیلاتی خبر ندارم.

بی آنکه مهلت داده منم دهند، ناگهان صدای را از زیرم کشیدند. الا قتل ۳ نفر منسول منت و لگدن شدند. هرنگام که کارزار کسه چشم بندگنا رفته بود فقط توانستم صورت یکی از آنها را ببینم. به زودی بیخوش شدم.

وقتی بهوش آمدم، سروصورت خیس و نرم کرده، لبهایم خون آلوده نام شربود. صدای جوانی با لهجه اصفهانی با لحنی خیلی خشن گفت: "این تازه چشمه اول بود. حرف می زنی با ادامه بدهیم؟"

شما حتی نگذاشتید که من حرفم را تمام کنم - با هیچ تشکیلاتی کار نمی کنم که اطلاعات داشته باشم. دستم را گرفتند و تا قی دیگری کشیدند، جورا بهایم را گندند، با شکم روی تخت خوابانیدند، دستهایم را زیر تخت بستند و بسا کابل شروع کردند.

هر وقت خواستی حرف بزنی، با انگشت بزرگ با بیت علامت بده!

سوت شلاق وقتی که هوارا می شکافت با سوت درون مغزم که از دور بر می خاست، با طبعی می شدند، ضربه های خیلی درناک بود و چنان سنگین که گویا پا و کله را به هم می چسباند. قیافه بدها جلوی چشم می آمدند و از اینکه حتی یک نترزا آنها را به چنین وضعی بیاندازم، دیوانه می شدم. با صدایی گرفته و غیرعادی نعره می زدم.

وقتی از تخت با یین آمد، پاها هر کدا مبهه اسدازه یک متکارم کرده بود. هنگام راه رفتن مثل آنکه روی انبوهی از براده آهن با سوزن راه بروی، پاها یم می سوخت.

پشت درانق شکنجه به انتظارم نشانند. صدای فریاد دختر که شلاق می خورد به گوش می رسید. پس از مدتی او را هم آش و لاش بیرون اتاق آوردند و کتاروش نشانند. دخترک گریه می کرد و زیر لب با خودش حرف می زد. چشم بندم را کمی بالاتر زدم و از پیران نگاه کردم. خیلی کم می رسد.

با یی های خونینش بوسه بزنم، آهسته و زیر لب گفتم: "سلام، گریه نکن، به زودی تمام می شه".

خوشحال بودم که نظم و وضق این حیوانات را زیر پای می گذارم. نوعی احساس مسئولیت نسبت به این دختر در وجودم بیدار شده بود. برای یک لحظه به تشکلهای خودم افتادم، بونی به سرعت بهه فضای فکریم گاه برگشتم، با بد تمام حواس را در همین جا متمرکز می کردم. با بدیا حواس متمرکز، میزان اطلاعات پلیس را در می یافتم.

برای آنکه حرکتی کنم، گفتم، "آقای نگاهان آب". پاسداری که بعدها فهمیدم نامش حمید بزرگه است، با یوتین به سروصورت زد. بسا عیب نیست می گفت: "کار فرگرتنی دانی که اینجا سد کسی آب نمی دهند. مثل اینکه هنوز فهمیده ای کدارت به کجا افتاده است؟"

خودم را جمع و جور کردم. حتی با این تن در هم گرفته برای من بیدار وضع حقارت آمیزی می شستم. نیمه های شب بود. معدده ام سخت می سوخت ولی املا میلی به غذا نداشتم. دستهای قوی از پس کلام گرفت بلندم کرد و به درون اتاق برد.

این با تمحیت می کردند: "اگر حرف بزنی به نفع خودت تمام می شود. ما همه چیز را می دانیم، با تشکیلات کار نمی کرده ام، منسنا چسرا باور نمی کنی. الان مدت ها ست که دنبال یک لقمه نون برای زن و بچه هایم هستم.

گفتگویمان خیلی آدامه نداشت. آویزانم کردند. فاطمه پاها یم تا زمین حدود نیم متر بود. زمانی که از حالت پا ندول خارج می شدم به حرکت در می آوردند. پس از یک ساعت با زجو آمد.

با تا صبح حرف می زنی، و یا مدارک را روی می کشیم و عذامی شوی. تهدیدش مسخره بود. آنها هنوز به کسی کسه برپا با زوجی بود، احتیاج نداشتم. بعد از مدتی صدایی را که در مورد اعتراف می کرد، شنیدم. کوینده پشت سرم ایستاده بود و من تنها

جیره خواران...

واشنگتن پست "نخست کجکهای سیا به رژیم خمینی جهت سرکوب کمونیست های رالیستی گردوسپس با اشاره به کمک های مدهما میلیونی آمریکا به با اثاره به کمک های مدهما و شاه به سرته گشوی از فضا دهای درونی ایالات با ندها و بی کفایتی آنها برابرشمر دوسرانجام غلط کلی سیاست آمریکا درباره رژیم خمینی و مخالفان سلطنت طلبش را روشن نمود. واشنگتن پست با اشاره به کمک های سیا به سلطنت طلبان نوشت:

"این کمک ها پرداخت ۶ میلیون دلار به گروه علی امینی، شامل سرمایه یک ایستگاه رادیویی برای آنان، شامل یک فرستنده کوچک برای بخش مخفیانه یک پیام ۱۱ دقیقه ای توسط رضا پهلوی پسر محمد رضا شاه - شاه سابق می شود... سیا به جبهه نجات ایران به رهبری نخست وزیر سابق شاه علی امینی علاوه بر ۶ میلیون دلار تا میهن سرمایه ایستگاه رادیویی ۱۰۰۰ ازال ۱۹۸۲

ماها نه مدهزا دلار پرداخت کرده است... بعنصوان بخشی از حمایت از جبهه نجات، سیا تجهیزات و حدود ۲۵ هزار رتا ۳۰ هزار دلار در ماه در اختیار جبهه نزاری می دهد... ولی بعدا معلوم شد که این پول سیا برای سرمایه گذاری در بازارهای پول شوین استفاده می شود. در نتیجه آن عضو جبهه که رابط سیا بود، در سال ۱۹۸۵ اخراج شد و جانشین او نیز... در اوایل اسامی برکنار شد و سیا یکی از مقامات کا بیته شاه را به مقام نظارت بر مستوری جبهه منصوب کرد... (علاوه بر اینها) گروه احمد مدنی نیز چندین میلیون دلار پول از سیا دریافت کرده است... مقامات دولتی تاکید کرده اند که فعالیت های سیا به منظور سرنگون کردن رژیم خمینی نبوده، بلکه اساسا هدفش بدست آوردن اطلاعات در مورد رژیمش از طریق تبعیدیان است...

واشنگتن پست به نقل از استانیفیلد ترنر رئیس سیا در دولت کارتر تصریح کرده که:

"بازی کردن در هر دو طرف زمین (یعنی هم کمک به خمینی و هم مخالفان سلطنت طلبش) غیر طبیعی نیست، به شرطی که آنها (مسئولین آمریکا) هیچک از گروه های تبعیدی (وابسته به آمریکا) را به اندازهای تامین نکنند که آنها سعی کنند دولت خمینی را سرنگون کنند..."

بر اساس سند منتشره در کیهان لندن - خنشریبه سلطنت طلب ها (۶۳/۱۰/۱۳) - میزان سرمایه گذاری آمریکا در جبهه نجات ایران و جنبش آزادی سران تا تاریخ یاد شده بیش از یک میلیارد دلار رسیده است.

موضوع کلانی و فساد در دوران بندهای سلطنت - طلب نیز موضوع جدیدی نیست. سرمداران ایسن باندها که زرم به داران بزرگ دوره شاه بودند اکنون نیز در کشورهای غربی سرمایه گذاری های کلان کرده اند، برخلاف آنها میهن پرستی و ایرانی دوستی شان، معشوقی جز دلزای آمریکایی ندارند و هیچ فرستی را برای آندوختن از کسف نمی دهند. اکنون نیز همه آنان در پی کسب قدرت هستند و برای برگردن مجدد کیهه های غارت خود از دسترنج مردم تقلا میکنند.

بدینحال گزارشها و واکنش پست و انتشار هر چه بیشتر استادی درباره رواج حمایت آمریکا از خمینی، نگرانی پیشین باندهای سلطنت طلب

از تغییر سیاست و رنگان نمید به جمهوری اسلامی بندگان شد و آه از ندها تا ن برآمد، برخی رهبران باندها، همچون بختیار، امینی و نسیم پهلوی درصاحبها گفتارهای رادیویی و بیبا مهای گوناگون، درکنار تا بهید در یافت پول از سیا را به شکوه از "ولسی نعمت" خود، آمریکا گشودند و برای بازیافتن حمایت کامل آمریکا ناها کردند. با حمایت آشکار دولت ریگان از رژیم خمینی یا در مصروف آنان گسترش یافته است.

چیزی که شاه پرست ها را راحت کرده است اصلاحات نیست که ریگان چرا به آنها سلاح می دهد، چون این جریبات از میلفان ایسن جنگ کثیف هستند، آنها با وقاحت کامل ایسن جنگ و تحقیر عنوان ایسکه ای جنگ ایران و عراق است نه صدام و خمینی توجیه می کنند.

بعنصوان مثال می توان به ما حبه نسیم پهلوی منتشره در کیهان لندن (۲۳ آبان ۶۴) اشاره نمود. نسیم پهلوی به صراحت گفت: "هیچ ایرانی اصیل وطن پرست نمی خواهد ایران از زمین بیگانه شکت بخورد، اگر چه عیب آن بی کفایتی رژیم هم باشد و درش به چشم همه ایرانیان خواهد درفت... شنریه ایران و جهان متعلق به باند امینی، همدانبا خمینی بری رانند چون ما به جبهه ها نرشته است بانها می جنگند تا مرزهای میهن گرامی ما محفوظ بماند. آنها برای حفظ حراست و سرزمین مقدس ایران و برای دفاع از ارزش های والای ناسیونالیسم ایران جنگ می کنند..."

و حتی برخی از آنان، همچون منوچهر قربانی فرد (یکی از عوامل کودتا نوزده) در همین ماجرای اخیر صدورا سله آمریکا بیبه ایران، درکنار رنگ فارسی و نقش فعلی ایفا کرده اند. آنچه آنان را انگران کرده است تغییر سیاست دولت ریگان به سوی حمایت آشکار از خودها است. آنها نگران ایسن هستند که آن حمایت به کاش حمایت ریگان از آنان بیا نماند.

سایتهای سلطنت طلب (چه نسیم پهلوی، امینی و ژنرال طای فراری وجه جمهوری خواهان شاهپرست) و ایستگان و جیره خواران امپریالیسم جهان نسیم پهلوی، امیریالیسم آمریکا هستند و سر نوشت آنها طبیعتا نه در دست خودشان، بلکه در دست کاشی است که میلیاردها دلار در آنها "سرمایه گذاری کرده اند و می کنند. سر نوشت است آنان را سیاست دور و نزدیک جهان امپریالیستی نسبت به ایران. رقیب می زند، نقش فعلی آنان ترساندن آخوندها و در عین حال آماده بودن برای حوادث غیرقابل پیش بینی است. سیا برای هماهنگی کردن دوباره تدبیر سلطنت طلب یعنی "جبهه نجات ایران" و نهضت مقاومت ملی "حول نسیم پهلوی و امینی و وسیع" در تلاش است. بنا به گزارش نشریات سلطنت طلب، بسیاری هماهنگ کردن این دو راهی، و رهبران آن، علی امینی و بختیار به مقام مشاوران نسیم پهلوی منصوب شده اند و به نوشته کیهان لندن (۱۵ آبان ۶۵) پس از چند ماه مذاکره سه جانبه نسیم پهلوی - امینی و بختیار برای نزدیک تر ساختن این دو سازمان ضد انقلابی رقیب، در اکثر مسائل درواشنگتن دومین کنگره "شورای عالی مشروطیت" برگزار شده است. بر اساس تمامی استنادات و گزارشات، تمامی این تلاشها جز محصول گوش های "سیا" بر سرای شریومند تر ساختن این باندهای ضد انقلابی چیز دیگری نیستند. حمایت از خمینی از یک سو و پشتیبانی

از مخالفان سلطنت طلب و وابسته از سوی دیگر دوری یک سکه وان چیزی است که "ترنر رئیس سیا در دولت کارتر بازی کردن در هر دو طرف زمین بازی می نماید.

"سیا" از این "بازی در هر دو طرف زمین" چه اهدافی را تعقیب می کند؟

سازمانهای ضد انقلابی وابسته به آمریکا امروز وظیفه وسیعی را در نظر گرفته اند. درون این طبقه از نسیم پهلوی مدعی مقام سلطنت گرفته تا امینی مدافع سلطنت استبدادی، بختیار مدعی پای بندی به قانون اساسی مشروطه و سوسیال دموکراسی، جمهوری خواهان مخالف سلطنت (که با برخی از آنان در درون نهضت مقاومت ملی بختیار سازمان یافته اند)، ژنرالهای چون آریانا و آوسی که از هم اکنون خود را به شکل پیشوا رسته اند و حتی علامتشان نیز از نام نازی ها اخذ شده، مدعی های اسلام پناه که به گفته خودشان هرگز و در هیچ خود را با رژیم خمینی قطع نکرده اند... همه به نامی شان یافت. این باندها علیرغم اختلافات واقعی با ساختگی با یکدیگر در یک نقطه با هم مشترکند. تمامی آنان با ما که های گوناگون در دامان سیا پروراند می شوند و برای هدف واحدی تربیت می یابند.

امیریالیسم آمریکا علاوه بر استفاده از اطلاعاتی - جاسوسی از اینان در واقع اهداف عمده دیگری را در تقویت این باندها و ضد انقلابی وابسته تعقیب می کند. اهدافی که به یکجا و بیجا است. یک سیستم دردمند استراتژیهای واشنگتن قرار دارد. از جمله برای اهداف زیر:

- جلب هر چه بیشتر وسیع تر رژیم جمهوری اسلامی به همدستی با آمریکا از طریق "ادامه فشار بر ایشان دادن این موضوع که مخالفان تبعیدی و ناراضی فعال هستند." (واشنگتن پست ۱۹ نوامبر) - پروردن آلترنا تویهای وابسته مختلف برای آینده غیر قابل پیش بینی و برجسته کردن مناسبت ترین آنان، به هنگام لزوم، چه هنگام خرابی ست توده های مردم علیه رژیم خمینی و چه در شرایط دیگر.

- جلوگیری از گرایش مردم معترض به سوی انقلابیون کمونیست، از طریق جذب آنان به طرف باندهای سلطنت طلب و وابسته، بوسیله تبلیغات ضد خمینی این باندها.

وظیفه انقلابیون کمونیست آن است که با توجه به نفرت روز افزون مردم از رژیم تبعیضات جمهوری اسلامی، با در نظر گرفتن اینکه این رژیم با اجنابیات بی شمارش از جمله با فروختن آتش جنگ و... مسب فلکت هر چه بیشتر مردم و کاسته شدن از صا سیست آنان نسبت به رژیم شاه گشته و در نتیجه زمینسه مساعدی برای فریبکاری بقایای شاه فراهم آورده است، با تمام توان علیه توطئه های این باندها و وابسته مبارزه کنند، ما هیت واقعی آنان، همدا می آنان با خمینی در دادها جنگ، در سرکوب کارگران و زمینکشان، در قارت توده های مردم و غیره. ربا استناد به اسناد و فاکت های مشخص افشا

مبارزه به یکدیگر با این باندهای ضد انقلابی جدا از هم مبارزه با رژیم خمینی نیست، بلکه مبارزه علیه رژیم را تقویت می کند. ما باید با تمام توان علیه آنها رژیم و این وظیفه ای درنگ ناپذیر است.

کرد و سپس تهنه های غیر عادی سرداد. چه ره همه آن سفید شده بود و می سروم در زمان شنبه رنک یافته بود. پس از ۲ روزه داخل زندان بازی گشتیم.

"قیامت" در تمام زندان مثل توب صدا کرد. زندانیان، به کاشی که قیامت را با موفقیت گذرانده بودند، با احترام می نگریستند. پس از انتقال به زندان بود که فهمیدم حاج رحمانی عوض شد و تحولات جدیدی در زندان رخ داده است.

پس از مدت طولانی بلا تکلیفی، با اشاره به پیدا دگا شروع رفتم، آخوندها حق می که حتی پرونده ام را به درستی خوانده بود، مرا حاکم و حکم را صادر کرد. به زندان برگشتم که دوران محکومیت را با گذرانم: در طول راه به دورانی سخت سرگذاشته بودم، و دورانی که در پیش است می اندیشیدم. دوره حکومت این جانشینان قرون وسطایی با اشاره به پایا می رسد. زمانه، زمانه آنها نیست. برای ما بودی این باختگی که به جان مردم ما افتاده است، با سختی جانمدهای فارغ از ظلم و استعمار. هر یک از ما وظیفه ما به دوش داریم.

وظیفه ما به دوش داریم و مبارزه و سر بلند کردن سازمان در این سنگراست. ما پیروز می شویم.

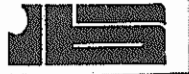
آدم شده ای یا نه؟ گفتیم: مگر قبلا آدم نبوده ام. گفت پس بر ما حالت جا بیا بد. از کسر در دستکای پست کردم. پاسخ داد تو فکرت نا راحت است و اگر آن درست بشود، کمرت هم خوب خواهد شد.

چو حاکم برقیامت و تبلیغات مسلسل وار ش برای آن بوده که با بهای اعتقادی زندانیان دردم شکنند و شرایطی را فراهم آورده که انوسبت به خود شک کند. ما از صبح تا شب کاری جز فکر کردن ندا شتیم. و مطلقا کسی که از بلندگو پخش می شد عملا به فکر ما جهت می داد. ماه دوم احساس کردم که حاجی که به یک تحول دارم. تقاضای ملاقات با حاج آقا رحمانی را کردم. گفت: ما همیشه با شما حاضر به بحثیم. ولی شما می ترسید که بحث کنید. جواب دادم که در مقابل همه زندانیانها حاضر با و بحث کنم. چیزی که آنروز به نگلی از اشکال، به هر کسی که باشد، حتی حاج رحمانی بود. بحث ما با لا گرفت. حاجی عصائی شد و گفت ما ۲۰ سال دیگر در قیامت تکمیل می یابیم. ما آنرا می بیند که مردم را خرابتر کردیم. تا به آنکه هم حرفه ایی که از بلندگوها پخش می شود، دروغ است، و میلفان این اندیشه جزا نورانی قیدتر نیستند.

۴/۵ ماه بعد، اجازه دادند که چشم بندها را با زکنیم. تخته ها را هم برداشته بودند. در همان روز، یک نفر جلوی چشمان ما دیوانه شد. ما دیدن رنگ قرمز در یک نقطه به آن حمله

بقیه اش هم نشا الله در دنیای دیگر. گفت: بید و آقا خوب فکرها یثان را بکنید. "واللحق که "قیامت" جای عجیبی برای فکر کردن بود. تعدادی تخته را در یک سال کنار هم عمودی روی زمین قرار داده بودند، طول آن به اندازه قدیک انسان و عرضش به قاعله ۴۰ سانتیمتر از طرفین ما قرار داشت. زیرمان یک تکه نم بود و روی رویمان دیوار، پشت سرمان خالی بود تا نتوانیم به جای تکیه دهیم. برنا هم روزانه "قیامت" این چنین بود: از ۵ صبح تا ۱۲ رادیو قرآن و برنا هم رادیو با درس های اخلاق و معانیه قرآن. پس از نیم ساعت نماز با زخم سخنرانی ونوحه خوانی و نما حبه پخش می شد. صدای بلندگو تا پایان شب یک لحظه هم قطع نمی شد و شبها ما عملا با این از چند ساعت نمی توانستیم بخوابیم. تمام مدت حتی در وقت غذا خوردن و دستشویی رفتن هم چشم بند به چشم داشتیم. یک عمسل روانگردانی دقیق و منظم صورت می گرفت. پس از چند روز، یکی از کسانی که نمی توانست تحمل کند، گفت که حاضر است همه چیز را در مورد شامل زندان بنویسد. وقتی که غذا را به زوجه ما داد، گفتند که همه چیز را نوشته ای، چند روز با این بازی ادا می یافت تا جایی که به او گفتند شرط خارج شدن از قیامت، هم توبه است و هم ادامه گزرا نویسی در زندان.

یک ماه بعد، حاج آقا شخشا مرا خواست و پرسید



هشدار به مبارزان کورد عراق

حکیم رئیس جریبا دست نشاندۀ «مجلس اعلیٰ عراق» جزئیات بیشتری از کنفرانس عراقی را که قرار است با شرکت بخشی از اپوزیسیون رژیم صدام موبه است با رژیم خمینی در تهران برگزار شود، فاش ساخت. حکیم در یک مصاحبه در چاه گفته است: «این کنفرانس در مورد خطوط کلی مبارزه و همچنین در مورد آینده عراق تصمیم خواهد گرفت. مسأله بدیهی این است که کنفرانس زیر نظر مستقیم رژیم خمینی برگزار خواهد شد و نمایندگان رسمی از کشورهای سوریه و لیبی نیز در آن شرکت خواهند کرد. حکیم اعلام کرده است که در این کنفرانس گروهها و سازمانهای مبارز که دارای مواضع سیاسی راستین و نیرومند علیه رژیم عراق هستند شرکت خواهند کرد. این در حالی است که حزب کمونیست عراق یعنی نیروی اصلی و سراسری مقاومت در این کشور همچنین بخش مهمی از گروههای مبارز را تشکیل می دهد. رژیم خمینی در این مورد نظر مشخصی ندارد. رژیم خمینی برای این «کنفرانس» تنها توطئه است تا بخشی از نیروها و یک رده شمال عراق را به آنجا ببرد تا آنها را با «مجلس عالی» که حکیم چنگ کند. کنفرانس فوق در چاه راجوب تلاشهای ارتجاعی رژیم خمینی برای سرهم بندی یک «آلترنا تیبو» دست نشاندۀ عراق و در برابر برتاکتیک ماسا بیهوده مدام یعنی حمایت از مذهب و صورت می گیرد. رژیم خمینی قصد دارد این «آلترنا تیبو» را در برابر «جبهه چپ» یعنی یگانۀ آلترنا تیبو و اکتسی جنبش انقلابی عراق قرار دهد و مبارزه مردم این کشور علیه صدام را به سود اهداف ارتجاعی خود منحرف سازد. جمهوری اسلامی تا چندین پیش از طریق کمپنهای همه جانبه مادی و معنوی به آست لاله حکیم و مجلس اعلیٰ او کشید تا این جریبان دست نشاندۀ خود را به مردم عراق تحمیل کند. رژیم می خواهد از این طریق «جمهوری اسلامی» مورد نظر خود را در عراق پیاده کند. بنا به امر رژیم صدام ارتجاعی ایران، مسأله ایجاد جمهوری اسلامی در عراق در مذاکرات بین حکیم و کردهای عراقی جای ویژه ای گرفته است. حکیم تاکید کرده که در ملاقات های با جلال طرابلسی و درین باره زانی در آن ماه گذشته مورد «مسائل کلی» او زجمله مسأله «هویت اسلامی» آینده عراق «به توافق رسیده اند. تا کنون بر این «هویت اسلامی» همچنین یکی از مسایل اصلی کنفرانس آتی خواهد بود.

توطئه های رژیم خمینی و مجلس دست نشاندۀ عراق برای تحمیل یک دیکتاتور خونی مذهبی از نوع رژیم ولایت فقیه در عراق، زیر پوشش محکوم است. توطئه های زحمتکش عراقی که تجربه تلخ خونین «ولایت فقیه» در کشورها بر آن دراز کرده اند، چشم دارند، به چنین توطئه های بی نظیر خواهند داد. سر نوشت امروزین کشور ما، بهتر از هر وعده و وعیدی نشان می دهد که خمینی و دست نشاندهانش چه رژیم را میخواهند به جای رژیم مدام بشر مردم عراق تحمیل کنند تا توجیه به همین واقعیت است که نیروهای اصیل مبارزان انقلابی عراق از شرکت در این توطئه کنفرانس با خود را می کشند و در برابر آلترنا تیبو می خمینی می ایستند و تلاشهای توطئه های رژیم خمینی را محکوم و علیه آن مبارزه می کنند.

انتظار همه نیروهای انقلابی و دمکراتیک منطقیه و بویژه انقلابیون ایران که با پوست و گوشت خود خلق خونین ولایت فقیه را حس کرده اند، این است که رهبران کرد عراقی این توطئه کینه مندی را بدرستی درک و راه خود را از این رژیم خونخوار جدا کنند. تجربه تلخ ملامطی با رژیم بحد کافی هشدار دهنده است. رژیم خمینی رژیم سفاک و فسد بشری است. در رژیم مشابه رژیم خمینی انتظار خود مختاری کردستان عراق خیال خامی نیست. شاهد این مدعا کردستان امروز ایران است. جمهوری اسلامی اگر امروزه بدلیل جنگ با صدام دست دوستی بسوی کردهای عراقی دراز نگردد، در همان حال آماده است تا به تبع منافع ارتجاعی آنها را قربانی سازد و خنجر زهر آگین خود را بر پیکر آنها فرو کند. کردهای مبارزان عراقی باید هرگونه اتحاد سیاسی و نظامی با رژیم خمینی - بویژه علیه اپوزیسیون مترقی ایران - منقطع و راه کناری بگذاشتند و راه اتحاد با نیروهای انقلابی مبارزه مشترک علیه صدام و خمینی را بگذاشتند. راه سعادت مردم دو کشور همسایه است. پیش گیرند. در لحظه حساس کنونی، مردم ایران از نیروهای رژیم خمینی و نقشه های آن برای عراق بعد از صدام هوشیار شوند و در باره سر نوشت مبارزه خونین خلق کرد با احساس مسئولیت کامل عمل کنند.

جنایات تازه علیه زندانیان

اخیرا خبرها در عده دیگری از انقلابیون در میدان نبرد و زندانیان رژیم جمهوری اسلامی منتشر شد.

شهریه «راه کارگر» در شماره ۲۹ خود اعلام داد که رفیق حمید طه سبی از مبارزین قدیمی و عضو کمیته مرکزی «سازمان کارگران انقلابی ایران» و مسئول کمیته کردستان این سازمان، در حین انجام یک مأموریت سازمانی در اتریش یک ساله در کردستان به شهادت رسید.

بر اساس خبر مندرج در شماره ۲۹ «شهریه» رفیق محمد علی شرف الدین، انقلابی با سابقه و زندانی سیاسی دوران مبارزه با رژیم جنایتکار شاه نیز بدست مزدوران رژیم به شهادت رسیده است. رفیق «شرف» که در ماه ۶۳ دستگیر شد نزدیک به دو سال حیوانی ترین شکنجه های ساواک خمینی را در لیرا نه تحمل کرد و سرانجام در یکی از آخرین روزهای تیرماه ۶۵، قلب گرمش آماج گلوله های رژیم جمهوری اسلامی گشت.

شماره ۱۲۹ «شرف» نامۀ مردم «نیز اعلام کرده است»: رفیق بهروز افشاری یکی دیگر از فرزندان رنج دیده و بیگناهی کردستان در ایران زیر شکنجه به قتل رسیده است. از ۲۵ مرداد ۶۴ در افسس بهروز به جنگ ما موران اطلاعاتی رژیم افتاد تا مدتی پیش از وی هیچ خبری نبود. تا آنکه سرانجام نشان او در کورستان دیده شد. او در آنجا مت قهرمانانه پیدا شد و او را گردید که وی پس از مقاومت قهرمانانه در برابر شکنجه گران، در ۳۱ شهریور سال پیش - یعنی یک ماه و شش روز پس از دستگیری - جان بر سر آمانهای توده ای خود داده است.

سازمان ما، کارگران و زحمتکشان و نیروهای مترقی و محافل آزادیخواه ایران و جهان را فرا می خواند که این جنایات وحشیانه را محکوم کنند و برای نجات جان بهترین فرزندان خلق ایران از چنگال دژخیمان رژیم خمینی، همه تلاشهای ممکن را به عمل آورند.

نقشه هولناک علیه زندانیان سیاسی

در جریان یک گرد همایی که در ۲۸ خرداد ماه سال جاری تحت عنوان «کنفرانس پزشکی» در تهران تشکیل شد عوامل مسلح رژیم تصمیم گرفتند که خون زندانیان سیاسی را گرفته و محرومین جنگی بدهند. در این گرد همایی همچنین تصمیم گرفته شد که اعضای بدن زندانیان محکوم به اعدام (چشم، دست، پا و...) را قبل از اجرای حکم از بدن آنان جدا کرده و جهت ترمیم اعضای محرومان جنگ مورد استفاده قرار دهند.

این تصمیم های جنایتکارانه و هولناک، نشانه دیگری از رفتار فاشیستی رژیم خمینی با زندانیان سیاسی و نقشه های خونینی است که برای فرزندان مبارز خلق کشیده است. رژیم خونخوار و فاشیستی رژیم خمینی تاکنون بارها نشان داده است که بسرری پیشبرده نیات ارتجاعی اش از دست زدن به وحشیانه ترین و ضد انسانی ترین جنایات بدیهی پروایی ندارد.

آخباری از زندانها

- رژیم تلخ دارد برای جلوگیری از مراجعه خانواده ها، محل زداشت دستگیر شدگان تازه را نامشخص نگه دارد. زندانیان سازمان خانواده های را که نگران دستگیری فرزندان شان و با وضعیت دستگیر شدگان هستند، به اشکال ممکن به سرگردانی می کشاند. طبق اخبار رسیده اکثر رفقای دستگیر شده سازمان را در بند ۳۰۰۰ (کمیته مشترک سابق) نگهداری میکنند. سرکوبگران رژیم برخی از رفقا را طی دوره با زوجی به خانه های مخفی برده و تحت شکنجه قرار میدهند.

- در موارد محدودی که به برخی از رفقا پس از چندین ماه ملاقات داده شده است، بسیاری اینکه خانواده وی به زندان مراجعه نکنند با آنها در خیابان قرار گذاشته اند. ملاقات ها در ما بین و در حضور بازجویان برگزار شده است.

- جیره غذایی زندانیان سیاسی که طی این مدت ۴۵ ریال بود، اخیرا بسیار کمتر شده و به ۱۸ ریال در روز رسیده است. زندانیان که از قبل هم در گرسنگی دائم بسر میبردند، اکنون در شرایط بسیار وخشناکی قرار گرفته اند.

دژخیمان خمینی این فشارها را بویژه علیه رفقای فدائی و توده ای و افراد سایر گروهها که در برابر رژیم ایستاده اند، اعمال میکنند.

محمد علی جعفری درگذشت

همراه ۱۰ سال، رفیق محمد علی جعفری هنرمند توانای تاریخ ایران، درگذشت. جعفری از شاگردان و همکاران رفیق عبدالحسین نوشین - بنیانگذاران تا ترنویس ایران - و عضو با سابقه حزب توده ایران بود. فعالیت های او در گروه نوشین در سالهای پس از شهریور ۲۰، از درخشان ترین کارهای هنری تاریخ پیشانیست هنرنگاری که در سال ۳۴ از زندان شاه بیرون آمد، در فضای دیکتاتورانه پس از کودتاه راه نوشین را ادامه داد و در سالهای اختناق شاه هشتا هی، با بازیگری و کارگردانی در تئاتر سینما، هنر مردمی و امتحان را ترویج کرد.

جعفری در آستانه انقلاب و سالهای نخست پس از آن با تمام تجربه و توانش به میدان آمد و نقش فعالی در شورای نویسندگان و هنرمندان و سندیکای کارکنان تا ترایفا کرد.

بدنبال یورش جناح پشکارانه خمینی به حزب توده ایران، محمد علی جعفری نیز دستگیر شد. سال گذشته دژخیمان رژیم جعفری را که همراه سایر شکنجه های حیوانی در زندان نیمه جان شده بود، از زندان رها کردند و رفیق در همراه ۱۰ سال درگذشت. با وجود ظاهر هنرمندان برجسته و متعهد همچون محمد علی جعفری که برای رژیم قرون وسطایی خمینی شده اند، در قلب مردم هنردوست ایران باقی خواهد ماند.

خاطره اش جاویدان باد

فاجعه سیل

جاری شدن سیل در استان جنوبی کشور بخشی از مردم زحمتکش و ستمدیده میهنان را اما تمهید کرده و برانداخته مردمی که ستم خمینی و تش بیهای صدام آنها را به خاک سیاه نشان داده، افزوده است. سیل دهها شهروندین هزار روستا را در آب فرو برده و صدها تن جان خود را از دست داده اند. هزاران راس دام تلف شده و بسیاری از قناتها، چاهها، باغها و اراضی کشت و ریزی و مناطق مسکونی بشدت تخریب شده است.

مردم سیل زده نیا زندانها مکانات درما نسبی نفت، سرپناه و... هستند. کمبود و نبودن این امکانات و روز بروز تلفات را بیشتر می کند و ترمیم خرابی ها را با مشکلات بیشتر و بیرومی سارد، ولی رژیم خمینی که جنگ و کشتار را در سر لوبه کار خود قرار داده است و مردم کشور را برای برافروختن هر چه بیشتر آتش جنگ به اشکال مختلف فشار می کند، هیچ کمک جدی به آسیب دیدگان نمی کند. خمینی و شرکا پیش که میلیونها ردها توما از دسترنج مردم را به کیسه سرما به داران، دلالان و قاچاقچیان اسلحه سرازیر می کنند، یک هزارم آترانشیز به سیل زدگان اختصاص نداده اند و کمک به آنان را به خود مردم واگذار کرده اند.

فدائیان خلق در ترواحی سیل زده به یاری مردم می شتابند و در کنار کمک به آنان، علل گسترده تر شدن تلفات سیل و عدم کمک رژیم خمینی به مردم مصیبت زده را توضیح می دهند.

آدرس
PI.10
1091 WIEN
AUSTRIA

حساب بانکی
AUSTRIA - WIEN
BAWAG
NR. 029 10701 - 650
DR. GERTRAUD ARTNER

به برنامه های رادیو زحمتکشان ایران گوش فرما دهید

رادیوی زحمتکشان ایران، صدای آزاد همسایه کارگران و زحمتکشان کشور و صدای برجستۀ تمام محرومان میهن است.

رادیوی زحمتکشان ایران هر روز در ساعت ۷ عصر به مدت نیم ساعت روی موج کوتاه، بردیفهای ۲۸ متر و ۴۹ متر برنامه پخش میکند. این برنامه ها در ساعت ۳۰:۰۷ دقیقه هم از روز و همچنین روز بعد تکرار میشود.

ساعت و طول موج این صدای ملی و آزادی را با خاطر سپارید!

وقت و طول موج آنرا به همگان بگویید و در همه جا بنویسید.

رادیوی زحمتکشان ایران، افشاگر جنایات رژیم خمینی و سخنگوی منافع کارگران و زحمتکشان است.

پیروزی یاد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!